



(سلسله مقالات بخش سوم)

**قاعده جدید تفسیر به نفع خواننده در ماده (۲) و بند (۱۰) ماده ۸۴ قانون آ.د.م (۱۳۷۹)
آثار دوره تحولی قوه قضاییه از منظر جرم شناسی اسلامی در حوزه قضایی استان های
تهران و ایلام**

سیدمحمدرضا موسوی فرد

پژوهشگر، عضو هیئت علمی دانشگاه، واضح جرم شناسی اسلامی گرایش جدید حقوق کیفری

mousavifard136394@gmail.com

ارسال: اسفند ۹۹ پذیرش: فروردین ۱۴۰۰

چکیده

به نظر می رسد قاعده علم قاضی و استقلال قاضی (بی حد و حصر در تفسیر) عملاً با توجه به رویه های موجود در محاکم نه تنها ما را به سوی تحولی ملموس در قوه قضاییه رهنمون نمی سازد بلکه به نظر نگارنده هزینه های فراوانی را در بلند مدت به بار می آورد. عامه مردم را در بلندمدت به موفقیت شعارهای قوه قضاییه مأیوس می سازد. به عنوان مثال در یک پرونده با موضوع واحد و مدارک و مستندات واحد، اصحاب دعوای واحد، رویکردهای سلیقه ای را مشاهده می کنیم که در این مقاله در حد بضاعت علمی به تصویر کشیده شده است، اگر نگوئیم فساد جزئی در دستگاه رخنه کرده، باید به قاعده ای تحت عنوان "تفسیر نفع به خواننده حسب مورد" با توجه به متغیرهایی همانند "نفوذ کلام خواننده" و... اشاره کرد. برخی اقدامات در رویه معمول گهگاه فاقد وجاهت شرعی، عقلایی، منطقی و فراقانونی و... می باشند. در این مقاله درصدد یافتن پاسخی برای این سؤال با رویکرد توصیفی تحلیلی هستیم؛ که آیا قاضی در امور حقوقی می تواند هرگونه بخواهد تفسیر نماید و حکم قضیه را صادر کند یا اینکه حق تفسیر بر اساس علم خود منطبق بر ادله و محصور در ادله را داراست؟

کلمات کلیدی: تحول قوه قضاییه، نفوذ کلامی، جرم شناسی اسلامی، تفسیر به نفع خواننده.

۱- مقدمه

جرم شناسی اسلامی به منوال گذشته که بارها عرض شد، در حوزه حقوق علم، رویکردهای متعصبانه و جاهلانه نیست، بلکه به عنوان آینه ای، سعی دارد رویه های موجود را در حوزه حقوقی به نقد کشیده تا فاصله آن را با معیارهای مندرج در منابع دینی مشخص کند. این همان مطلوب حکمرانی اسلامی به قول ریاست قوه قضاییه است که باید در تراز انقلاب اسلامی باشد. ولی متأسفانه وضعیت و ساختار موجود در رویه خلاف مسیر ترسیمی را نشان می دهد. سؤالی که در این مقاله در پی آن هستیم این است که آیا قاضی در امور حقوقی می تواند هرگونه که تفسیر نماید و حکم قضیه را صادر کند یا اینکه حق تفسیر بر اساس علم خود محصور در ادله را

داراست؟ به تناوب در طول مقاله با بررسی برخی از پرونده‌های واقعی به صراحت می‌تواند به پاسخی رسید که در این خصوص قضاوت را به مخاطب می‌سپاریم. این امر در راستای لیبیک به دعوت ریاست محترم قوه قضائیه است که در دعوت رسانه‌ای خود تأکید داشتند: نیل به «قوه قضائیه تراز انقلاب اسلامی» در گام دوم، بدون مشارکت و نقش‌آفرینی مردم، نخبگان و دلسوزان انقلاب ممکن نیست^۱. فلذا در راستای تحقق این شعار و مضافاً دیگر بحث مطروحه ایشان که گفتند: بر اساس گزارش دادستان انتظامی قضات، ما یک درصد در بین مجموعه قضایی تخلف داریم که این یک درصد زیاد است^۲. در راستای آسیب‌شناسی دوره تحول در این مقاله طبق روال مقالات قبلی با دیدی توصیفی تحلیلی در راستای اصلاح ساختار موجود (۳) پرونده‌های کاملاً تحولی (تطبیق آن با استانداردهای جرم‌شناسی اسلامی در منابع دینی و قانونی) در حوزه قضائیه استان‌های تهران و ایلام مورد بحث و بررسی علمی قرار خواهد گرفت^۳.

۲- قاضی و قضاوت از منظر آموزه‌های جرم‌شناسی اسلامی

قضا ترکیبی است از اعمال ولایت شرعی در طریق حکم بین مردم برای رفع خصومات است (مقتدایی؛ ۱۳۷۹، ص ۹) هدف اصلی از قضاوت اسلامی، گسترش عدل، احقاق حق و رفع تجاوز است و به تعبیر روایات احیاء و تزکیه ارض است. قضاوت بالاصالَه و ذاتاً حق خداوند است و اصل اولی نفوذ حکم و حکومت «الله» است و هیچکس بر دیگری تسلط و حق حکم ندارد مگر به اذن خداوند متعال و نفوذ حکم و حکومت انبیاء و اوصیاء با اذن حق تعالی و از مواهب اوست چنانکه قضات جامع الشرایط نیز نفوذ حکمشان با فرمان و اذن انبیاء و اوصیاء است. زیرا قضاوت به نحوی ولایت بر جان، مال و عرض افراد است. (پیشین، ص ۱۱) از این روست که امیرالمؤمنین (ع) به شریح قاضی می‌فرماید: این مقام جایگاه انبیاست و مسندی است که بر آن تکیه نمی‌زند مگر پیغمبر یا وصی او، البته مأذون و منصوب از طرف آن‌ها می‌گردد و اگر پیغمبر و وصی و مأذون از طرف آن‌ها نشد، شقی، غاصب و حاکم جور و طاغوت است. (حر عاملی، باب سوم، حدیث دوم و سوم) در ادامه با احادیث دیگری بحث را دنبال می‌کنیم امام صادق (ع) می‌فرماید: «اتقوا الحُکُومَةَ اِنَّمَا هِيَ لِلْاِمَامِ الْعَالِمِ بِالْقَضَاءِ الْعَادِلِ فِي الْمُسْلِمِينَ كَنَبِيِّ اَوْ وَصِيِّ» (حر عاملی، ج ۱۸، ص ۷) از حکومت و داوری بپرهیزید: زیرا حکومت برای پیشوای دانا و آشنا به امور قضایی و عادل میان مسلمان‌ها مثل پیغمبر یا وصی پیغمبر می‌باشد. در یک حدیث دیگر می‌فرماید: قاضیان چهار گروه‌اند که سه گروه از آنان اهل آتش و دوزخ‌اند و یک گروه از آنان اهل بهشت. اما سه گروه که اهل دوزخ‌اند عبارت‌اند از:

- مردی که قضاوت ظالمانه نموده درحالی که می‌دانسته؛
- مردی که قضاوت ظالمانه نموده درحالی که نمی‌دانسته؛
- مردی که قضاوت به‌حق نموده ولی عالم به امور قضایی نبوده؛
- اما مردی که قضاوت به‌حق نموده درحالی که عالم به امور قضایی بوده پس او در بهشت است. (شیخ کلینی، ج ۷، ص ۴۰۷) پس قضاوت از دید ائمه علیهم‌السلام منصب خطیری است که دارای مشکلات زیادی است چرا که دائماً در معرض امتحانات سخت و وسوسه‌انگیز قرار دارد، ولی این را نیز باید گفت که اگر به دست یک قاضی احقاق حقی صورت گیرد و رفع ظلمی صورت گیرد، از اجر و پاداش ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: دست خدا بالای سر قاضی است و او در زیر سایه رحمت الهی نشسته، اما اگر از حق تجاوز کند خداوند او را به خودش وا می‌گذارد. (شیخ کلینی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۴) اما درباره شرایط قاضی در اسلام که از خطیرترین مسئولیت‌ها شناخته شده، است باید گفت که در شریعت نبوی قبول منصب و مسئولیتی

^۱ به نقل از سید ابراهیم رئیسی ریاست محترم قوه قضائیه، فراخوان در جهت مشارکت مردم و نخبگان در تحولات دستگاه قضایی منتشر شده در ۱۳۹۸/۳/۲۵ با کد خبر: ۲۷۶۲۵ قابل دسترس: <https://www.didarnews.ir/fa/news/27625>

^۲ نگاه کنید به سخنرانی ریاست قوه قضائیه: www.irna.ir/news/83835223

^۳ نگاه کنید به بند پ ماده (۵) سند امنیت قضایی قوه قضائیه که آورده است: آراء دادگاه‌ها با هدف تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان به‌صورت کامل ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص در دسترس عموم قرار می‌گیرد.

که درخور انسان نیست از بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده، زیرا نبی مکرم اسلام می‌فرماید: کسی که امری از مسلمین را عهده‌دار می‌باشد درحالی که برتر از او در میان مردم هست به خدا و رسولش و به همه مسلمین خیانت کرده است. به همین خاطر منصب قضا که از اعظم مناصب، و در رابطه باجان، مال و آبروی مردم است با توجه به روایات در این باب باید به اهلش واگذار شود.^۱ (محمدی گیلانی؛ ۱۳۸۷؛ ص ۲۰) حضرت علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر برای انتخاب قاضی می‌فرماید: «... پس برای قضاوت و داوری بین مردم بهترین کسانی را انتخاب کن که:

- انبوه کارها بر او سخت نیاید و از عهده انجام آن‌ها برآید؛

- طرفین متخاصم در ستیزه و لجاج رأی خود را بر او تحمیل نکنند؛

- در صورت اشتباه، بر اشتباه خود اصرار نرزد و جانب حق را بگیرد؛

- طمع کار نباشد (زیرا طمع کاری مانع احقاق حق است)؛

- در قضاوت به اطلاعات سطحی اکتفا ننماید؛

- در موارد شبهه تا کشف حقیقت درنگ و تأمل نماید؛

- در صدور احکام متکی به دلایل قطعی باشد؛

- کمتر از همه از مراجعه دادخواهان به تنگ آید؛

- در کشف حقایق صبور باشد؛

- پس از روشن شدن موضوع، حکم قاطع صادر نماید؛

- تملق و چاپلوسی و حيله و خدعه او را به هر سو نکشانند» (شرح بر نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۰۱۰) سؤالی که اینجا پیش می‌آید بر اساس شاخص‌های ترسیم شده در منابع متعدد دینی کدام یک از معیارهای اسلامی ذیل در قضاوت‌های موجود دیده می‌شود.^۲

۳- مختصر لزوم وفای به عهد در فقه و حقوق اسلامی

خداوند متعال در قرآن چندین بار بر لزوم پایبندی به عهد و پیمان و پاس داشتن قول و قرارها تأکید کرده است. از جمله در آیه‌ای وفاداری به هر پیمانی را از مؤمنان می‌خواهد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها وفا کنید». (مانده: ۱) همچنین، خدا در قرآن مجید دستور می‌دهد تا به عهد و پیمان خود پیوسته وفادار باشیم و بدانیم که در برابر خدا مسئولیم. همه می‌فرماید: «وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ». به عهد الهی وفا کنید. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده است تا متذکر شوید. (انعام: ۱۵۲) و نیز می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا». به پیمان‌های

^۱ از مهم‌ترین اهداف حکومت اسلامی برپا داشتن حق و احقاق حق صاحبان حقوق و دفع باطل و طرد باطلگرایان و در نهایت اجرای احکام و حدود الهی در مقام قضاوت و داوری است، که از آن به «عدالت قضایی» تعبیر می‌شود. این مقصد جز با وجود دستگاه قضایی مستقل، عدالت محور، مقتدر، قاطع و استوار که با کمال دقت و احتیاط و پرهیز از لغزش و انحراف ضامن اجرای مقررات الهی باشد، قابل تصور نیست. از این رو سیستم قضایی یک جامعه باید به گونه‌ای طراحی شود که مال، جان و حیثیت افراد آن در قوانین مدون و همچنین در شیوه‌های اجرایی آن رعایت شده باشد. بی‌تردید عدالت، در نظام قضایی اسلام برخاسته از آموزه‌های قرآن، روایات و سیره عملی معصومین (ع) خصوصاً حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است که شالوده و شاکله نظام قضایی اسلام را تشکیل می‌دهد. در این راستا رویکرد امام خمینی (س) به شاخصه‌های عدالت قضایی با توجه به سیره عملی معصوم (ع) عصر حاضر لازم و ضروری است. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص نگاه کنید به: موسوی بجنوردی، سیدمحمد و دیگران (۱۳۹۰)؛ شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) با رویکردی برآرای امام خمینی (س)؛ پژوهشنامه متین امام خمینی و انقلاب اسلامی، دوره چهاردهم، شماره پنجاه و چهارم، شماره پیاپی پنجاه و چهارم، بهار، ص ۱۹

^۲ با نگاهی به سخنان رهبری انقلاب چنین در می‌یابیم: قضا در یک کشور، معیار سلامت آن کشور است. اگر دستگاه قضایی سالم بود، می‌توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از عدالت و دوری از تبعیض و ستم و اجحاف و تجاوز و این غصه‌های بزرگ بشری، سالم است. گزیده ای از سخنان رهبری در مورخ ۱۳۷۰/۴/۵ به مناسبت شهادت شهید بهشتی و هفته قوه قضائیه قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۵۹۳۴>

خود وفادار باشید زیرا از پیمان‌ها سؤال خواهد شد. (اسراء: ۳۴) و می‌فرماید: «وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا؛ و هرگز پیمان الهی را به بهای کم مبادله نکنید». (نحل: ۹۵) پیمان الهی هم می‌تواند به معنای پیمان میان ما باخدای خود باشد و هم پیمان‌هایی که بر پایه ایمان به خدا با یکدیگر می‌بندیم. قرآن وفای به عهد از ویژگی‌های مؤمنان و شاخصه‌های ایمان می‌شمارد؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ آنان (مؤمنین) به امانت و عهد و پیمان خود وفادارند». (مؤمنون: ۸) قرآن کریم، زیان ناشی از پیمان‌شکنی را در حقیقت متوجه شخص پیمان‌شکن می‌داند و می‌فرماید: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ»؛ هر کس پیمان‌شکنی کند، در حقیقت به زیان خویش پیمان‌شکنی کرده است». (فتح، ۱۰) آسیب دیگر پیمان‌شکنی این است که موجب از بین رفتن اعتماد در جامعه و بی‌اعتمادی عمومی می‌شود. این در حالی است که احساس اعتماد متقابل، پشتوانه محکمی برای فعالیت‌های اجتماعی است. اگر وفای به عهد، از جامعه انسانی رخت بریند و پیمان‌ها یکی پس از دیگری شکسته شود، سرمایه بزرگ اعتماد عمومی به غارت خواهد رفت و جامعه به‌ظاهر متشکل، به اجزایی پراکنده تبدیل می‌شود. بنابراین، صرف‌نظر از دین، ما اگر فقط به عقل خود مراجعه کنیم، بازهم برای آنکه اعتماد میان مردم از میان نرود باید به عهد وفا کنیم^۱. در تعریف دیگری از آمده است: موضوع تعهد هر چه باشد، اعم از تسلیم عین (معین، کلی در معین یا کلی در ذمه) یا منفعت، فعل یا ترک فعل، با انجام آن از سوی متعهد، وفای به عهد انجام می‌شود. (اکرمی، ۱۳۹۵، ص ۱)

۴- مختصر لزوم پایبندی قراردادهای وفای به عهد در حقوق موضوعه

قراردادهای که بیانگر روابط حقوقی بین اشخاص می‌باشند، یکی از مهم‌ترین منابع تعهد به شمار می‌روند. جهت و هدف غایی قراردادهای، ایجاد حق و تکلیف برای طرفین قرارداد است. چنانچه این قراردادهای قوه الزام‌آور نداشته باشند یعنی هیچ قوه مانعی وجود نداشته باشد که خسارت زیان‌دیده از نقض قرارداد را حمایت کند، مدار زندگی افراد جامعه هر لحظه در معرض انهدام است^۲. استواری در عهد و پیمان لازمه دادوستد است. جهت و هدف غایی قراردادهای، ایجاد حق و تکلیف برای طرفین قرارداد است. چنانچه این قراردادهای قوه الزام‌آور نداشته باشند مدار زندگی افراد جامعه هر لحظه در معرض ازهم‌پاشیدگی است. یکی از این قواعد که مربوط به قراردادهای می‌باشد، قاعده‌ای است که به آن اصل لزوم گفته می‌شود. منظور از لزوم قرارداد، غیرقابل انحلال بودن آن در اصل «جز در موارد استثنایی فسخ و اقاله و حکم قانون» و لزوم اجرای مفاد آن در برابر جواز قرارداد است که به معنی انحلال آن به اراده یا فوت یا حجر هر یک از طرفین است. به‌طور کلی در حقوق موضوعه ایران و نیز فقه امامیه و سایر سیستم‌های حقوقی، اصولاً هر قرارداد تشکیل یافته باید اجرا شود و هیچ‌یک از طرف‌های قرارداد نمی‌توانند شانه از زیر بار تعهدات ناشی از آن خالی کنند^۳. مواد ۱۰ و ۲۱۹ ق.م. نیز که بیانگر اعتبار و لزوم تمامی قراردادهایی است که مخالف قانون نباشد، صرفاً جهت اعتبار و لزوم تمامی قراردادهایی است که شرایط صحت را واجد هستند. فلذا اصله‌اللزوم در جایی صرفاً جاری می‌شود که قرارداد تمامی ارکان و عناصر

^۱. از نظر قرآن وفای به عهد و پیمان، از ملاک‌های ارزشی انسان است. وفای به عهد یکی از اساسی‌ترین شرایط زندگی دسته جمعی است و بدون آن هیچ گونه همکاری اجتماعی امکان‌پذیر نیست، زیرا لازمه‌ی زندگی اجتماعی، همکاری و اعتماد افراد جامعه به یکدیگر بوده و زمانی این امور به خوبی تحقق می‌یابد که مردم به وعده‌های خود عمل کنند. کسانی به وعده‌ها و تعهدات خود عمل می‌کنند که اهل تقوا بوده و عزم جدی در انجام تعهدات دینی داشته باشند. در قرآن کریم و روایات اسلامی، این امر فوق‌العاده اهمیت دارد. در این کتاب آسمانی آمده که انسان در برابر عهد و پیمان مسولیت دارد و پیمان‌مداری از ویژگی‌های مومنان است. مطالب این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و هدف از آن معرفی این فضیلت اخلاقی است که عموم مردم تا حدودی آن را به فراموشی سپرده‌اند. نگاه کنید به:

- محبی مقدم، فاطمه، ۱۳۹۹، ضرورت و آثار وفای به عهد در جامعه از دیدگاه اسلام، پنجمین کنفرانس ملی نقش مدیریت در چشم انداز ۱۴۰۴، رشت، <https://civilica.com/doc/1152448>

^۲. در این خصوص توصیه می‌شود نگاه کنید به: مهدی امین، مهدی (۱۳۸۷)؛ اصل لزوم قراردادهای در فقه و قانون مدنی ایران؛ فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره چهل‌چهارم و چهل و پنجم، ص ۱۱

^۳. جهت مطالعه نگاه کنید به: صفوی، سیدنوید و دهقان، ناصر و سلیمیان، ابوالفضل، ۱۳۹۴، بررسی کاربرد اصل لزوم در حقوق موضوعه ایران، نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق، <https://civilica.com/doc/502936>

صحت قرارداد را دربرداشته باشد؛ یعنی قبلاً اصله الصحه بر آن حکومت داشته باشند. بنابراین، جایی که صحت و اعتبار قرارداد محرز شد، ماده ۲۱۹ ق.م. و قاعده اصله اللزوم بر آن جاری می‌شود و آن قرارداد را لازم‌الاتباع می‌دانیم. البته مادامی که دلیل خاصی آن را از این قاعده مستثنا نکرده باشد^۱. اگر عقدی واقع شد، اصل بر لزوم آن عقد است. یکی از تقسیم‌بندی‌های عقود تقسیم‌بندی آن به عقد لازم و عقد جایز است. منظور از اصل لزوم این است که اگر با هر عقدی مواجه شدیم، باید اصل را بر این قرار دهیم که این عقد لازم است. اصل بر لزوم عقد است، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود؛ به این معنا که قانون‌گذار خود بگوید که این عقد جایز است. بر اساس ماده ۲۱۹ قانون مدنی، «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم‌مقام آن‌ها لازم‌الاتباع است؛ مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.» همان‌گونه که از ماده فوق برمی‌آید، عقد لازم قابل فسخ است. یکی از راه‌های انحلال عقد لازم، اقاله آن و راه دوم به وسیله اعمال خیار است. نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که طرفین عقد نه تنها نمی‌توانند عقد را به هم بزنند بلکه باید به عقد پایبند باشند و به تعهدات ناشی از عقد عمل کنند. اما این تعهدات تنها شامل تعهداتی نمی‌شود که در عقد تصریح شده است؛ بلکه شامل تعهداتی می‌شود که به حکم قانون یا به حکم عرف به وجود می‌آید. به این معنا که گاهی اوقات تعهدات ناشی از عقود صریحاً مورد توجه طرفین قرار نمی‌گیرد اما قانون یا عرف تعهدات دیگری را نیز در نظر می‌گیرد. بر اساس ماده ۲۲۰ قانون مدنی، «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است، ملزم می‌کند^۲».

۵- جایگاه علم و استقلال قاضی در امور حقوقی و نظارت بر آن

در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی دلایل اثبات دعوا در اقرار، اسناد کتبی، شهادت، امارات، قسم، گواهی، تحقیق محلی، معاینه محل، رجوع به کارشناس و سوگند شناخته و از علم قاضی به عنوان دلیل یاد نشده است و حتی در ماده ۳۵۸ تحت عنوان قاعده منع تحصیل دلیل، دادگاه را از تحصیل دلیل در پرونده ممنوع کرده و صرفاً حق رسیدگی به دلایل اصحاب دعوا و اتخاذ تصمیم بر مبنای آن را مجاز شناخته است. پس از انقلاب با اصلاحی که در ماده ۱۳۳۵ قانون مدنی به عمل آمد علم قاضی که مبتنی بر اسناد و امارات باشد از جمله ادله اثبات دعوا شناخته شده است و از آنجا که اماره اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود. به استناد مواد ۱۳۲۲ و ۱۳۲۴ همین قانون اماره بر دو قسم قانونی و قضایی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده باشد و دادگاه در صورت فقدان دلیل برخلاف آن در کلیه دعاوی به استناد آن باید حکم صادر کرد و اماره قضایی آن است که به نظر قاضی واگذار شده و در دعاوی که با شهادت شهود قابل اثبات هستند می‌تواند مبنای حکم قرار بگیرد. بر این اساس دادگاه در امور حقوقی به علم خود که مبتنی بر اسناد یا اماراتی نظیر معاینه محل، تحقیق محلی، نظریه کارشناس باشد می‌توان عمل کرده و حکم صادر کند. در ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ قاعده منع تحصیل دلیل مندرج در ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی سابق دچار تغییر شده و به دادگاه اجازه داده شده هرگونه تحقیق با اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام دهد و در ماده ۲۵۵ نیز اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل از امارات قضایی محسوب شده که ممکن است موجب علم یا اطمینان قاضی دادگاه یا مؤثر در آن باشد. در نتیجه می‌توان گفت در امور حقوقی چنانچه علم قاضی ناشی از اسناد یا امارات قانونی باشد می‌تواند مبنی حکم قرار بگیرد و به هیچ‌عنوان علم شخصی و خارج از محتویات پرونده نمی‌تواند مبنای حکم قرار بگیرد^۳. از

^۱. به نقل از پیشین.

^۲. نگاه کنید به: مقاله اصول حاکم بر عقود و قراردادها معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان رضوی، قابل دسترسی در سایت ذیل:

https://pjorm.mashhad.ir/citizenship_education/ ۱۳۱۹۲۱

^۳. در حقوق موضوعه ایران با توجه به قوانین موجود تنها علم ناشی از ادله معتبر دانسته شده و علم شخصی دادرس فقط کارکرد کنترلی سایر ادله را بر عهده دارد. به عبارت دیگر تنها در مقابل ادله خلاف واقع ایستادگی میکند اما نمی‌تواند در صدد اثبات امری بر آید. نگاه کنید به: شریفی، هادی و دیگران (۱۳۹۲)؛ رابطه علم دادرس با دلایل قانونی اثبات دعوی مدنی؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و نظام بین الملل؛ دوره و شماره: دوره ششم، شماره نوزدهم، تابستان، ص ۲۵. در کشورهای غربی اما قضات از اختیاراتی جهت کشف حقیقت برخوردارند، اما این به آن معنا نیست که قضات از حیث طرح موضوع و اقامه دلیل جانشین اصحاب دعوا گردند بلکه نقش ایشان نقشی تکمیلی است. جهت مطالعه بیشتر نگاه کنید به: پاینده، آرزو و تیزده، حمزه، ۱۳۹۶، ماهیت

«إِنَّمَا نُنَبِّئُكُم بِالَّذِي لَدُنَّا»

شماره دادنامه: ۷ تاریخ تنظیم: ۱۳۹۸/۰۲/۲۹ شماره پرونده: ۶۵۱ شماره پرونده شعبه: ۶	شماره: ۹۸۰۹۹۷	شعبه دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی تهران (سابق)	
دادنامه			
دادگستری کل استان تهران			
پرونده کلاسه 5 نهایی شماره 67 شکلی: آقای	دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی	شعبه 9709 980	تهران (جزایی سابق) تصدیق
فرزاد . به فضای استان تهران			
فرزنا . به شکلی			
فرزاد . به شکلی			
تهام؛ کلاهداری			
دادگاه با بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل سوابق به تشاه رأی می نماید.			
رأی دادگاه			
<p>درخصوص اعتراض آقای با وکالت آقای نسبت به قرض شماره ۹۷/ مورخ ۹۷/۱۲/۲۹ صادره از شعبه بازرسی دادسرای ناحیه تهران که درباره شکایت علیه آقایان ۱- ۲- ۳- نسبت به قرض شماره ۹۷/ مورخ ۹۷/۱۲/۲۹ صادره از شعبه کلاهداری قرار منع تعقیب صادر گردیده است.</p> <p>انجام و تدارک بدهی مالیاتی مشتکی عنهم قرارداد امضاء نموده و نامبردگان اعلام داشتند که حدود مبلغ سیزده میلیارد تومان در بانک توسط اداره امور مالیاتی توقیف شده که در صورت تعدیل و جرمه مالیاتی و آزاد سازی پولهای بلوکه شده حق الزحمه ایشان را پرداخت خواهد نمود و پس از آنکه شاکی میزان بدهی مشتکی عنهم را به حدود چهار میلیارد ریال تقلیل داده مشتکی عنهم به او عنوان نمودند که میزان بدهی را شخصاً پرداخت نماید تا پس از آزادی پولهای بلوکه شده به شما مسترد گردد که شاکی عنوان می کرد این اقدام را انجام ندادم لکن مشتکی عنهم پول را از حساب خارج و بدهی خود را تسویه نمودند. اینک بنابه مراتب فوق چون اقدامات انجام شده از سوی مشتکی عنهم متقابلانه تلقی نشده و قریب دهنده شاکی به نظر نمی رسد و همانطور که در قرار بازرسی قید شده است اقدامات مشتکی عنهم عدم ابعای تعهدات می باشد. و در اصل بنابه گواهی بانک مبلغ سیزده میلیارد و دوپست میلیون تومان در حساب موجود بوده ولی توقیف شده بود و حتی عدم وجود پول در حساب تعهد به پرداخت مانور متقابلانه تلقی نمی گردد و از طرفی شاکی در این مرحله نیز دلیل موجهی که نقض قرار را ایجاب نماید ارائه نداده دادگاه با رد اعتراضی به استناد مواد ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری قرار معترض عنه را تأیید می نماید این رأی قضی است.</p>			
رئیس شعبه دادگاه کیفری دو تهران		اعضای معترض نشدند	

۶-۱- مرحله بدوی تحولات آن

ریاست دادگاه بدوی حقوقی از همان ابتدا نیز در پرونده ورود کرده است به صراحت با بررسی پرونده به تقاضای بدو اعسار از هزینه دادرسی خواهان به هويت مستعار (محمدي) رسيدگي مي نمايند البته خواندگان اين پرونده سريالي به هويت هاي مستعار (کاظميان، محمودي، صديري، رامتين اسدي و...) مي باشند که در ادامه تحولات نقش آن به سويه در پرونده جاري و ديگر پرونده هاي مرتبط مشخص مي شود، البته نکته اينجاست که آقای محمدي مدير يک مؤسسه است که با مشورت قاضي ايشان تصريح داشتند به بالتبع رأی کيفري دادخواست بنام خودت باشد از اين باب مشکلي نيست اعسار را صادر شد (وفاي گفته خواهان عليرغم ابلاغ واقعي هيچ يک از خواندگان در جلسه حضور نداشته اند) جالب اينجاست که گروه خواندگان اعلام مي کنند بدون حضور در جلسه رأی به نفع آن هاست و خواهان نیز تصريح دارد بارها با قاضي صحبت کرده ام ايشان تأييد کرده اند پرونده از نظر شکلي و ماهوي مشکلي ندارد:

سؤال: اگر اين دادخواست تقديمي مشکلي داشت بايد از طرف مؤسسه طرح دعوا مي شد قاضي مربوطه در شعبه دادگاه حقوقی تهران چرا اعسار مديرعامل به عنوان شخص حقيقي را پذيرفته است، قانونا بايد با توجه به عدم پذيرش اعسار اشخاص حقوقی قانون محکوميت هاي مالي بايد رفع نقص مي زدند؟^۱

۱. خواهان به تبع حق تضييع شده ي خوشي، از حق اقامه دعوا برخوردار مي شود و تا صدور رأی از اختيارات وسيعي برخوردار است. اختيارات گسترده ي خواهان ريشه در اصل معروف حاکميت اراده دارد. نکته ي قابل توجه آن که مالکيت و حاکميت خواهان نیز مشابه اصول ديگر با استثنائاتي مواجه است. به همين منظور قانون گذار در مواردی که احتمال مي رود خواهان با اعمال اختياراتش، نظم عمومي را به خطر انداخته يا حقوق طرف مقابل را ناديده انگارد،

«فلا شجرًا تهوي ان تهلوا»		 دادگستری کل استان تهران	
شماره دانشنامه : 99099 تاریخ تنظیم : 1399/03/11 شماره پرونده : 980998 شماره بایگانی شعبه : 5 / 98	شعبه دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی دادنامه		
تهران تصمیم نهایی	دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی	شعبه 98099	پرونده کلاسه شماره 990997
	فرزند به نشانی استان تهران	فرزند	خواهان: آقای جنوبی
	فرزند به نشانی استان بوشهر	فرزند	خواندگان: 1. آقای
	فرزند به نشانی استان ایلام	و 2. آقای	
	فرزند به نشانی استان تهران	و 3. آقای	
	فرزند به نشانی استان بوشهر	و 5. آقای	
	فرزند به نشانی استان تهران -		شهرستان تهران
خواسته: اعسار از پرداخت هزینه دادرسی گردشکار خواهان دانخواستی به خواسته فوق به طرفیت خواننده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاس فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر/ فوق العاده دادگاه به تصدی امضا کننده زیر تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده حکم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر میباید . رای دادگاه در خصوص دعوی به طرفیت و مبنی بر صدور حکم اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله بدوی نظر به اینکه مستند خواهان جهت اثبات ادعا شهادت شهود بوده و شهود تعرفه شده در جلسه دادرسی من حیث المجموع صحت ادعای خواهان مشعر بر اعسار وی از پرداخت هزینه دادرسی را مورد گواهی قرار داده اند لهذا دادگاه مستنداً به مقررات ماده 504 و بعد قانون آئین دادرسی منتهی ضمن صدور حکم اعسار موقت وی را از پرداخت هزینه دادرسی صادر و اعلام می دارد رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی است.%			
		دادگاه عمومی حقوقی تهران	رئیس شعبه

به برخی از لوایح تقدیمی خواهان و دیگر مستندات که نفوذ کلامی و پیش‌بینی‌های خارق‌العاده خواندگان را علیرغم رأی کیفری قطعی تذکر داده است دقت شود: (بدون لایحه، حضور رأی به نفع ماست)؟؟؟؟

مقررات محدودکننده‌ای را پیش‌بینی نموده است. نک به: پور استاد مجید و دیگران (۱۳۹۰)؛ مالکیت خواهان بر دعوی مدنی؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی آزاد، دوره ۴، شماره ۱۴ - شماره پیاپی ۱۴، زمستان، ص ۴۲.

لايحه خدمات قضائي	
آرايه كننده لايحه	نام
موضوع لايحه	۱. لايحه دفاعيه
مستندات	۱. اسامير مدارك و مستندات به شماره - مورخ ۱۳۹۹۰۸۰۳
<p>هواقاضي</p> <p>رياست محترم شعبه دادگاه عمومي و حقوقى مجتمع قضايى</p> <p>موضوع: مراتبى جهت استحضار قاضى محترم وصيديگى كنده در راستاي احقاق حق قانونى سلام هاليكم احتراماً به استحضار عالى مى رسند اينجانب</p> <p>بيرو دلائيل و مستندات لايحه لرسالي كه به شماره هاي ذيل در قالب ائديكاتوريهاي وارده مربوط به پرونده فوق الذكر (۴۵) به عنوان خواهان در پرونده شازده رقصى ۸۲ - ۹۸ با پرونده بايگي ۵ - ۹۸ - مورخ ۱۳۹۹ - ۵۹۰ - ۱۳۹۹ - ۷۵ در نهايت لايحه جمع بندي مراتبى يا بيش از ۱۰ دليل انساني و ديگر اسرارث موجود در پرونده به شماره رهگيري ۹۶۱ مورخ ۱۳۹۹ - ۳۰/۱۳۹۹) ثبت و ضبط و ضم پرونده شده است</p> <p>به استحضار مقام محترم قضايى مى رساند پس از ارسال اظهارنامه هاي موصوف (انظار قانونى در اجراء ماده ۱۵۴ قانون آيين دادرسي در امور مدني) براي برخى از خواندگان به صورت</p> <p>بصراحت به استناد شهادت شهود اعلام كرده اند به موجب وجه در جلسه دادرسي نه شركت مى نمايند و نه اقدام خاصى انجام مى دهند مى توانيد كاري از پيش بيرونه برويد هر كاري مى خواهيد انجام دهيد (اين اظهارات مسجون به سابقه است) نظر به اينكه فعلاً بيز بيرو لايحه وقت رسيدگي شماره ۲۱۲ مورخ ۹۸۰ مورخ ۲۷/۱۱/۱۳۹۸ شعبه . دادگاه كيفرى (۴) مجتمع شهيد . (تصوير بيروسي) چنين امرى را مطرح نمودند و عليرغم اعتقاد اينجانب به وصف كيفرى داشتن اقدامات موصوف دقيقاً قرار منع تعقيب تايد شد بدون اينكه در جلسه حاضر شوند. حش يك صفحه دفاعيه در پرونده داشته باشند متأسفانه تظليه لغواي ايشان تايد گرديد. فلذا بيرو درخواست تعديسي و مستندات با توجه به دادنامه قطعي كيفرى دادگاه كيفرى (۴) مجتمع تهران و بالتح نظر به دستور ماده ۱۸ قانون آيين دادرسي كيفرى مصوب ۱۳۹۲ و نظريه مشورتي اداره كل حقوقى قوه قضاييه در پاسخ به استعلام شماره ۵۰۴۶۶ مورخ ۲۷/۱۱/۱۳۹۲ قانون وكلاي دادگستري مركز مسي بر اينكه فعلاً راي دادگاه حقوقى تمى نوندر برخلاف مدلول راي قطعي كيفرى باشد. (تصوير بيروسي) با توجه به عدم اجراء نابين خواسته مستند به بند ۱ ماده ۱۰۸ قانون آيين دادرسي مدني در ابلاغيه شماره ۵۳ مورخ ۹۹۱۰ مورخ ۱۱/۳/۱۳۹۹ مراتباً با توجه به قطعي بودن مشغول البته ۲۰ درصد خواندگان از مبلغ ادعايى وفق دادنامه موصوف در قرارداد همكاري (۲۹۹۱۱۲۷) به حضور عالى ايند مى گردد. مضافاً با توجه مدلول مواد (۱) و بند (۱) ماده (۴) اينگان پيش بيني نتايج نظام حقوقى بندهاي (ب) و (پ) ماده (۸) بخشنامه همكاري جديد (سند اسنيت قضايى) به شماره ۱۰۰۰/۱۱۹۹۲/۹۰۰۰ مورخ ۲۱/۱۱/۱۳۹۹ رياست محترم قوه قضاييه بيروسي محكوميت خواندگان موصوف مورد استعلامت. به خاطر اطلاعاتي كلام بيروسي مى ملتمس و مراتب قبل از جلسه رسيدگي خدمت مقام محترم و كرامتقدر قضايى در راستاي احقاق حق قانونى اعلام و ايقاد مي گردد.</p>	

لايحه خدمات قضائي	
آرايه كننده لايحه	نام
موضوع لايحه	۱. لايحه دفاعيه
مستندات	۱. اسامير مدارك و مستندات به شماره - مورخ ۱۳۹۹۰۸۰۳
<p>هواقاضي</p> <p>رياست محترم و معظم شعبه دادگاه عمومي و حقوقى مجتمع قضايى - تهران</p> <p>سلام عليكم</p> <p>موضوع : تاكيد مجدداً بر افزايش ميزان خواسته قبل جلسه اول (قبلا تقديم شده مستندات موجود) و مضافاً ايجاد شهادت توسط خواندگان پرونده كه با مستندات به اطلاع سادى ذى ربط قانونى (۱۳۹۹/۸/۳) به حفاظت اطلاعات قوه قضاييه) رسيده است.</p> <p>احتراماً اينجانب : به عنوان خواهان پرونده كلانه ۸۷ - ۹۸۰ با شماره بايگي ۵ - ۹۸۰ آن مرجع محترم نظر به جلسه رسيدگي مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۹ ساعت ۹:۳۰ به طرفيت خواندگان پرونده . و ... با توجه به اينكه سيش از ۲ هفته از صدور راي گذشته است در حالي كه ماده ۲۹۵ قانون آيين دادرسي در امر مدني حداكثر يك هفته تعيين كرده است. با اعتقاد كامل به سلامت دستگاه قضايى خواندگان پرونده شهادتي مطرح كرده اند مراتب مورخ ۱۳۹۹/۸/۳ به حفاظت اطلاعات قوه قضاييه مستندات تحويل داده شده است كه خدمت شما اعلام مي گردد.</p> <p>۱- با تاكيد مجدداً بر افزايش ميزان خواسته كه فعلاً با توجه به وجود منفا و ائمه و كشاه در محاسبه در دادخواست بدوي تقديم شده بود و با تصحيح آن به ميزان (۳۰) فرس كل صباغ (۱۳۲) ميليارده ريال معادل سيزده ميليارده و دوست ميايون تومان و همچنين دير كرده و ضرر و زيان از سال ۱۳۹۷ تا كنون از محضر مبارك جهت صدور حكم</p> <p>۲- خواندگان در حضور شهود و مطلعين مجدداً اظهار داشته اند به صراحت حش بدون اينكه يك لايحه با دفاعيه اي در پرونده داشته باشند با وكلي معرفى كند با ايراد ماهوي و شكلي راي به نفع ائمن صادر خواهد شد فلذا مجدداً ضمن اعتقاد واضح به سلامت دستگاه محترم قضايى مراتبى با توجه به تمام مستندات و دليل موجود در پرونده عدم وجود همچگونه دفاعي در پرونده از سوى خواندگان محكوميت ايشان از محضر مقام قضايى رسيدگي كنده مور درخواست و استعلامت .</p>	

بالاخره علیرغم تمامی این فعل و انفعالات صورت پذیرفته عدم اجرای تأمین خواسته خواهان و با توجه به اینکه مراتب با مستندات (قبل صدور رأی) به مراجع نظارتی نیز اطلاع‌رسانی شده^۱ بود: در زمان صدور رأی تحت تأثیر دوره تحول وفق ماده (۲) ق.آ.د.م. باید دعوای از سوی شخص حقوقی مطرح شود؟؟؟

شماره پیگیری	۳۸	۰۳
زمان ثبت	۱۳۹۹/۰۸/۰۳ - ۱۲:۳۳	
اطلاعات درخواست		
نوع درخواست	گزارش فساد (ناشناس)	
دستگاه اجرایی	قوه قضاییه	
شرح	<p>هوالمحق ریاست محترم بازرسی کل کشور سلام علیکم موضوع: پیشگیری از جرم و فساد احتمالی درون لویه قضاییه احتراماً اینجانب شعبه دادگاه عمومی و حقوقی مجتمع قضایی تهران می باشم در مورخ ۶/۸/۱۳۹۹ ساعت ۳۰/۹ صبح جلسه رسیدگی دارد نظر به اینکه در حضور شهود به صراحت خواندگان اعلام کرده اند که به هرکلیتی رأی پرونده به ضرر بنده است(مسبوق به سابقه است با مستندات) با توجه به اینکه بنده رأی قطعی کیفری دارم وفق دستور ماده (۱۸) قانون آیین دادرسی در امور کیفری برای شعبه حقوقی لازم الاتباع است و دین مذکور مستقر و در قالب سند رسمی(ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی) است. با توجه به صحبتی که با قاضی داشتم اظهار داشتند پرونده مشکل خاصی ندارد ، هرگونه اظهار نظر شکلی و ماهوی قاضی مربوطه به ضرر بنده باشد(بابت رد پرونده) را نوعاً در پرونده می دانم قبل از جلسه رسیدگی اعلام می نمایم و یحتمل به ضرر بنده رأی دهد، طی لایحه شماره ۳ مورخ ۳/۸/۱۳۹۹ پیوستی به ایشان غیرمستقیم تذکر داده شده است ، فلذا مراتب جهت هرگونه جریان نامناسب اداری درون قوه قضاییه جهت رصد مراتب اطلاع داده می شود.قطعا پس از چنین انگالی خدایی ناخواسته رخ دهد قبل از جلسه رسیدگی بدین سند امستناد خواهم نمود.با برخی مستندات دیگر پازل تکمیل خواهد شد ...</p>	
 دادگستری کل استان تهران		
شعبه	دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی	شماره دهنده : ۹۹۰۹۹ تاریخ تنظیم : ۱۳۹۹/۰۸/۲۶ شماره پرونده : ۹۸۰۹۹۹۸۰ شماره بایگانی شعبه : ۹۸
پرونده کلاسه	شعبه ۹۸۰۹۹۸	تهران تصمیم نهایی
شماره	۹۹۰۹۹	
خواهان: آقای جنوبی	فرزند	به نشانی استان تهران
خواندگان: آقای	فرزند	
<p>خواسته: مطالبه وجه بابت ... گردشکار-خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر/ فوق العاده دادگاه به تصدی امضا کننده زیر تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می نماید . رأی دادگاه در خصوص دعوی به طرفیت مبنی بر مطالبه وجه موضوع قرارداد ۹۷/۹/۲۹ و خسارات دادرسی و تاخیر تادیه قرارداد اعلامی موضوع ادعا میان مدیرعامل موسسه منعمد و خواهان دلیلی بر سمت خود در آن شرکتها ابراز نداشته که در فرض ارائه نیز دعوی می بایست از سوی شخص حقوقی اقامه و نه حقیقی بنا به مراتب و عدم طرح دعوی وفق مقررات و مستنداً به ماده ۲ ق.آ.د.م. قرار رد دعوی صادر و اعلام قرار اصداری طرف مهلت بیست روز قابل طرح و رسیدگی در محاکم تجدید نظر استان است.%</p>		
رئیس شعبه	دادگاه عمومی حقوقی تهران	

^۱ رئیس قوه قضاییه: اولویت ما برخورد با تخلفات قضات و کارکنان قوه قضاییه است؛ به تعبیر رهبر معظم انقلاب با دستمال کثیف نمی شود شیشه را پاک کرد دستگاه‌های اداری باید ساختارهای فسادزا را شناسایی و اصلاح کنند. جهت دسترسی به خبر نگاه کنید به: entekhab.ir/00229d

پس از این روند خواهان علت اصلی چنین دادنامه‌ای را ناشی عدم انجام تعهدات^۱ (به علت عدم توان مالی و استطاعت علیرغم اثبات اعیان) ارزیابی می‌کند و حتی می‌پذیرد که باید طرح دعوا از طرف مؤسسه باشد و اینکه بدین رأی اعتراض کند ولی جالب اینجاست شعبه بدوی به خاطر "عرق خاص بدین پرونده" علیرغم (۲) بار تجدیدنظرخواهی از ارسال آن به تجدیدنظر امتناع می‌کند؟

بسم الله الرحمن الرحيم

ریاست محترم دادگاههای تجدید نظر استان تهران

موضوع: لایحه دفاعیه تکمیلی تجدید نظر خواهی از دادنامه ۰۴ مورخ ۹۹۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۹/۸/۲۶

باسلام احتراماً، پیرو لایحه تجدید نظر خواهی با رهگیری شماره ۱۸ مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۸ در خصوص پرونده کلاسه ۸۷ با کلاسه بایگانی ۹۸۰ با کلاسه بایگانی ۵۰ ششم دادگاه عمومی و حقوقی مجتمع قضایی تهران مرانی را عرض می‌دارد:

۱- خدمت شما عارض است تملکی مدارک و مستندات مربوط به فراداد مؤسسه که در دادنامه بدوی موصوف ابراز شده است که ارائه نشده است (تصویر پیوستی ص ۴)

۲- در پرونده کیفری به کلاسه ۰۶۵ دادگاه عمومی و کیفری (۲) مجتمع ارائه شده است و دقیقاً در فراداد (افای) به صراحت باز پرس باید کرده است:

۱-۲ "بررسی مدارک و مستندات را و آراء عدم ایفای تعهدات قراردادی تشخیص داده است" (پیوستی ص ۴)

۳- همچنین ریاست شعبه نیز به هويت افای به صراحت آورده است:

۱-۳ "موسسه حقوقی بودن یعنی اقرار کرده است عده ایفای تعهدات قراردادی تشخیص داده است" (پیوستی ص ۳)

۴- به دستور ماده ۱۲۸۷ در حکم سند رسمی امر قضاوت شده مأمور رسمی دولت است وفق ماده ۱۸ آیین دادرسی کیفری به عنوان قاعده آمره برای شعبه حقوقی لازم الاتباع است وفق نظریه مشورتی قوه قضاییه نیز باید دادگاه حقوقی از آن نهمیت می‌نمود (تصاویر پیوستی ص ۵)

۵- دلیل رد دعوا نیز دلایل غیر حقوقی و قضایی که در صفحات پیوستی تقدیم شده است مستندات کامل موجود است (بخشی از مستندات پیوستی ص ۵)

به امید عدالت واقعی

^۱ مقام معظم رهبری در بیانات تأکید فرموده‌اند که: «باید مبارزه با فساد، در درجه اول در داخل قوه و به صورت جدی و کارشناسی انجام شود، زیرا تبعات و ضربه فساد در داخل قوه قضاییه بسیار سنگین خواهد بود». ضمن اشاره به مقابله با فساد درون دستگاهی، بر لزوم نگاه کارشناسی برای شناخت بسترهای فسادزا و مقابله با آن نیز تأکید فرمودند و اشاره داشتند که بایستی کاری کرد. امری که صد البته نیازمند کارهای جدی کارشناسی و تحقیقی است.

۶-۲- مرحله تجدیدنظر تحولات آن ورود ثالث

خواهان به صراحت می گوید: اثبات اعسار در محکمه صرفاً جهت روند اعسار از هزینه دادرسی در محاکم است، عدم استطاعت مالی ایشان در پرداخت هزینه‌ها علیرغم رأی حق مستقر وجود قرارداد، رأی قطعی کیفری و ... در مراحل بعدی نیز تأثیرگذار خواهد بود؟ بالاخره تمهیدی که خواهان می‌اندیشد در جهت خنثی سازی دفاع از حق خود با درخواست بدو اعسار در پرونده تحت کلاسه فرضی (۲۸۷ الف) از طرف مؤسسه در تجدیدنظر ورود ثالث می‌کند، هرچند در تجدیدنظر حضور اصحاب دعوا الزامی نیست بارها با خواهان در قامت مدیر مؤسسه تماس می‌گیرند بدون ابلاغ قانونی در آن مرجع حاضر شود؟

اطلاعات درخواست	
نوع درخواست	گزارش فساد (ناشناس)
دستگاه اجرایی	قوه قضاییه
شرح	مسئول محترم مربوطه
<p>موضوع: اعلام عدم نتیجه گیری پرونده منطبق با عدالت و قانون در مرحله تجدید نظر خواهی (بدون اینکه فعلاً شعبه تجدید نظر خواهی تعیین شده باشد).</p> <p>"دورود وافر"</p> <p>با عرض ادب و پیرو گزارش شماره ۱۰۳ - ۳۸ مورخ ۳/۸/۱۳۹۹ (پیش از وقوع) و همچنین مستندات غیرقابل انکار موضوع شماره ۳ - ۳۹ مورخ ۲۷/۸/۱۳۹۹ (پس قطعی شدن پیش بینی صورت گرفته ۳/۸/۱۳۹۹ و بند (۲) لایحه الکترونیکی با کد رهگیری ۳۷ - ۱۳۹۹ مورخ ۲۲/۸/۱۳۹۹ که به شماره ۶۳ - ۱۳۹۹ مورخ ۲۴/۸/۱۳۹۹ پرونده ثبت و ضبط شده است) بالانع سامانه ای با کد رهگیری : ۲۲ - ۱۳۵ در پرونده کلاسه ۸۷ - ۹۸ به کلاسه بایگانی شعبه (شعبه دادگاه عمومی و حقوقی تهران) به استحضار می‌رساند پیرو صحبت های مطرح شده از سوی دوستان پس از مراتب رخ داده به صراحت اعلام شده است در مرحله تجدید نظر خواهی (بدون اینکه فعلاً مشخص شود در کدام شعبه تجدید نظر مطرح خواهد شد) علیرغم داشتن رأی قطعی کیفری و دیگر دلایل غیرقابل انکار در پرونده عدم دفاع خواندگان (موثر و حتی موثر) نتیجه ای حاصل نخواهد شد. این یعنی عملاً سو جریبان فلذا مراتب جهت استحضار شما اعلام می‌گردد شعبنا در مراحل بعدی بدان استناد نخواهد شد و در قالب مدارک و مستندات منتشر شده در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.</p>	
بسمه تعالی	تاریخ تقدیم: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰
شماره پرونده: ۲	کدرهگیری: ۵۷
	پیوست: ۲ برگ
 <p>سامانه خدمات الکترونیک قضایی لایحه خدمات قضایی</p>	
ارائه کننده لایحه	نام: عدالت
موضوع لایحه	۱. لایحه دفاعیه
متن لایحه	۱. مدارک و مستندات به شماره: مورخ
<p>بسم الله الرحمن الرحيم ریاست محترم شعبه دادگاه تجدید نظر استان تهران با سلام و احترام امنا بیرو سومین تماس جناب آقای دفتر محترم شعبه با شماره ۲۸ - ۲۱ (به عنوان مثال روز شنبه ۱۳۹۹/۱۲/۰۹ ساعت ۱۳:۰۹) با مدیرعامل جهت مراجعه حضوری به شعبه مراتب تقدیم می‌گردد:</p> <p>۱- نظر به مراجعه ۲۲-۱۳۹۹ که متأسفانه بدون عدم استنطاق (حتی یک دقیقه اظهارات مدیر قانونی) از سوی مستشار محترم شعبه بلافاصله منجر به صدور قرار عدم استنطاق ورود ثالث (اعسار هزینه دادرسی) خواهشمند است در صورت لزوم ارائه توضیحات مراتب به صورت اعسار به ابلاغ الکترونیکی صورت پذیرد.</p> <p>۲- پیرو لایحه به کد رهگیری شماره ۲۰ - ۱۳۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ ارسال شخص حقیقی ۹۸۰۹۹۸۰۲۲۱۰۱۳۸۷ - مراتب ذیل تقدیم می‌گردد:</p> <p>لطفاً به مفاد لایحه حواله ذیل دقت فرمایید *****</p> <p>در سال ۱۳۹۷) از حساب شخصی ایشان پرداخت شده و ***** مبلغ پرداختی ۸۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال (معادل ۸۸ میلیون تومان ضرر) ریان قرارداد ***** تعداد: عدالت</p>	

۱. سوالی که پیش می‌آید این است آیا قوه قضاییه به چنین جایگاهی رسیده است که رهبری می‌فرماید: قوه قضاییه باید به جایگاهی برسد که هر فرد مظلومی احساس کند با رجوع به دستگاه قضایی می‌تواند حق را بگیرد. سخنان ایشان قابل دسترسی در سایت: <https://www.isna.ir/news/97041206742>

پس از یک بار حضور خواهان در دادگاه تجدیدنظر تهران در مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۲ بدون اینکه اجازه صحبت کردن به ایشان داده شود تقاضای اعسار از هزینه دادرسی شخص حقوقی که خواهان جهت نیل به حقیقت التفات حقوقی بدین موضوع تقدیم کرده است در همان روز قطعی رد می شود و یک ماه بعد مجدداً از قرار عدم استماع صادر قطعی در مرحله تجدیدنظر عدول می شود؟ چطور علیرغم رأی قطعی باید ۱۳۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال دیگر به حساب بریزد ایراد قانونی دارد؟؟؟ (ادامه روند به امید عدالت ترسیمی)

تاریخ دادنامه ۱۳۹۹/۱۰/۲۲ تاریخ عدول ۱۳۹۹/۱۲/۱۹		شعبه دادگاه تجدیدنظر استان تهران دادنامه																																																														
۹۹۵	شماره پرونده : ۸۷	۹۹۰۹	شماره پرونده : ۱۳۹۹/۱۰/۲۲																																																													
	شماره بایگانی شعبه :		شماره بایگانی شعبه :																																																													
دادگستری کل استان تهران																																																																
پرونده کلاسه ۴۳ شعبه ۹۹۰۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران تصمیم نهایی شماره ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۲۰۵۷																																																																
تجدیدنظر خواه: عدالت به نشانی استان تهران - شهرستان تهران با مدیریت آقای فرزاد																																																																
تجدید نظر خواندگان:																																																																
																																																																
تجدیدنظر خواسته: اعسار از پرداخت هزینه دادرسی ورود ثالث																																																																
گرددشکل: دادگاه پس از بررسی و مطالعه مندرجات پرونده ختم جلسه و اعلام و بشرح ذیل مبادرت به صدور رای مینماید رای دادگاه																																																																
در خصوص دعوی شرکت عدالت بطرفیت آقایان																																																																
<p>بخراسته اعسار از پرداخت هزینه دادگاه مرحله ورود ثالث توجهاً به جمع اوراق و محتویات پرونده نظر به اینکه مدعی اعسار شرکت بوده که دارای شخصیت حقوقی است و شرکت ما و اشخاص حقوقی وفق مقررات قانونی نمی توانند دادخواست اعسار تقدیم نمایند بلکه اعسار مختص اشخاص حقوقی می باشد چنانچه اشخاص حقوقی ناتوان از پرداخت هزینه دادرسی باشند میبایست دادخواست ورشکستگی تقدیم نمایند بنابراین دادگاه بنا به مراتب مرقوم و به استناد مواد ۲ و ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار عدم استماع دعوی خواهان صادر و اعلام مینماید رای صادره قطعی است.</p> <p style="text-align: right;">رئیس محترم شعبه دادگاه تجدیدنظر استان تهران مستشار دادگاه</p>																																																																
<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <thead> <tr> <th colspan="2" style="text-align: center;">پسمه نهایی</th> <th colspan="2" style="text-align: center;">دادگستری کل استان تهران</th> <th style="text-align: center;"></th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td style="width: 15%;">۹۹۱۰</td> <td style="width: 15%;">شماره ابلاغیه :</td> <td style="width: 15%;">۹۹۰</td> <td style="width: 15%;">شماره پرونده :</td> <td style="width: 40%;"></td> </tr> <tr> <td></td> <td>شماره بایگانی پرونده :</td> <td></td> <td>شماره بایگانی پرونده :</td> <td></td> </tr> <tr> <td></td> <td>تاریخ تنظیم :</td> <td></td> <td>تاریخ تنظیم :</td> <td></td> </tr> <tr> <td colspan="5" style="text-align: center;">شعبه دادگاه تجدیدنظر استان تهران ابلاغ الکترونیکی</td> </tr> <tr> <td style="width: 15%;"></td> <td style="width: 15%;"></td> <td style="width: 15%;"></td> <td style="width: 15%;"></td> <td style="width: 40%;"></td> </tr> <tr> <td style="text-align: center;">۱۴۰</td> <td style="text-align: center;">۴۶</td> <td colspan="2" style="text-align: center;">شماره ملی :</td> <td style="text-align: center;">عدالت</td> </tr> <tr> <td colspan="5" style="text-align: center;">نوع ابلاغیه: ابلاغ اخطاریه رفع نفی</td> </tr> <tr> <td colspan="5" style="text-align: center;">مهلت رفع نفی: ۱۰</td> </tr> <tr> <td colspan="5" style="text-align: center;"> <p>مهلت ابلاغیه: مهلت رفع نفی ۱۰ روز اخطار ششماه محترم نظر به آنکه دادخواست تقدیمی شما به جهات ذیل ناپس منی باشد ، لذا مقتضی است طرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ تصمیم به رفع نفی با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایید، درغیراین صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد.</p> <p style="text-align: center;">↓</p> <p>هزینه دادرسی پرداخت نشده است، بنا بر این به صدور قرار عدم استماع در خصوص دعوی اعسار شما منتهی و طبق فورم خواسته در دادخواست ورود ثالث هزینه دادرسی مبلغ ۱۳۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان منی باشد = ابلاغیه فاقد پیوسته منی باشد.</p> </td> </tr> <tr> <td colspan="5" style="text-align: center;">موارد نفی: هزینه دادرسی پرداخت نشده است.</td> </tr> <tr> <td colspan="5" style="text-align: center;">کفایت امر ابلاغ = ابلاغیه در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ به سامانه ابلاغ ارسال گردید.</td> </tr> </tbody> </table>					پسمه نهایی		دادگستری کل استان تهران			۹۹۱۰	شماره ابلاغیه :	۹۹۰	شماره پرونده :			شماره بایگانی پرونده :		شماره بایگانی پرونده :			تاریخ تنظیم :		تاریخ تنظیم :		شعبه دادگاه تجدیدنظر استان تهران ابلاغ الکترونیکی										۱۴۰	۴۶	شماره ملی :		عدالت	نوع ابلاغیه: ابلاغ اخطاریه رفع نفی					مهلت رفع نفی: ۱۰					<p>مهلت ابلاغیه: مهلت رفع نفی ۱۰ روز اخطار ششماه محترم نظر به آنکه دادخواست تقدیمی شما به جهات ذیل ناپس منی باشد ، لذا مقتضی است طرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ تصمیم به رفع نفی با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایید، درغیراین صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد.</p> <p style="text-align: center;">↓</p> <p>هزینه دادرسی پرداخت نشده است، بنا بر این به صدور قرار عدم استماع در خصوص دعوی اعسار شما منتهی و طبق فورم خواسته در دادخواست ورود ثالث هزینه دادرسی مبلغ ۱۳۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان منی باشد = ابلاغیه فاقد پیوسته منی باشد.</p>					موارد نفی: هزینه دادرسی پرداخت نشده است.					کفایت امر ابلاغ = ابلاغیه در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ به سامانه ابلاغ ارسال گردید.				
پسمه نهایی		دادگستری کل استان تهران																																																														
۹۹۱۰	شماره ابلاغیه :	۹۹۰	شماره پرونده :																																																													
	شماره بایگانی پرونده :		شماره بایگانی پرونده :																																																													
	تاریخ تنظیم :		تاریخ تنظیم :																																																													
شعبه دادگاه تجدیدنظر استان تهران ابلاغ الکترونیکی																																																																
۱۴۰	۴۶	شماره ملی :		عدالت																																																												
نوع ابلاغیه: ابلاغ اخطاریه رفع نفی																																																																
مهلت رفع نفی: ۱۰																																																																
<p>مهلت ابلاغیه: مهلت رفع نفی ۱۰ روز اخطار ششماه محترم نظر به آنکه دادخواست تقدیمی شما به جهات ذیل ناپس منی باشد ، لذا مقتضی است طرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ تصمیم به رفع نفی با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایید، درغیراین صورت برابر مقررات قانونی قرار رد دادخواست شما صادر خواهد شد.</p> <p style="text-align: center;">↓</p> <p>هزینه دادرسی پرداخت نشده است، بنا بر این به صدور قرار عدم استماع در خصوص دعوی اعسار شما منتهی و طبق فورم خواسته در دادخواست ورود ثالث هزینه دادرسی مبلغ ۱۳۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان منی باشد = ابلاغیه فاقد پیوسته منی باشد.</p>																																																																
موارد نفی: هزینه دادرسی پرداخت نشده است.																																																																
کفایت امر ابلاغ = ابلاغیه در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹ به سامانه ابلاغ ارسال گردید.																																																																

۷- پرونده (۵۱۴ الف) حوزه قضایی ایلام: (خواسته: ضرر و زیان شخصی از حساب شخصی حقیقی)

در این مرحله احدی از خواندگان به هويت مستعار (حاج رامتين اسدی) در حوزه قضایی شهرستان ایلام دادخواست با همین موضوع و مستندات علیه خواهان با کلاسۀ فرضی (۲۸۷ الف) در حوزه قضایی تهران و دیگر اصحاب دعوا تقدیم کرده است. محمدی به عنوان خواهان پرونده کلاسۀ فرضی (۲۸۷ الف) تهران و خوانده در پرونده با کلاسۀ فرضی (۵۱۴ الف) حوزه قضایی استان ایلام در دفاع از خود با تقاضای بدو اعسار درخواست جلب ثالث دیگر خواندگان را در همان مرحله بدوی می نماید اعسار وی نیز صادر می شود؟


سؤال: در حوزه قضایی^۱ استان ایلام نیز خواهان وفق مستندات ادعا دارد اعسارش به عنوان شخص حقیقی پذیرفته شده و ربطی به شخص حقوقی^۲ (مؤسسه اش) نداشته است، علی الاصول اعسار از هزینه دادرسی شخص حقوقی بدو پذیرفته نیست؟ نقطه مشترک هر دو حوزه در ابتدا شخص حقیقی را پذیرفتند در انتها به شخص حقوقی رسیده اند؟ (جل الخالق) ...

«فلا تتعوا نهي ان تعنوا»		
شماره دادنامه: 990997	تاریخ تنظیم: 1399/09/29	شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام دادنامه
شماره پرونده: 990998	شماره بایگانی شعبه: 99	
دادگستری کل استان ایلام		
990999	شعبه 990998 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام تصمیم نهایی شماره 990999	پرونده کلاسۀ خواهان: آقای خواندگان: آقای 1.
	فرزند به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - تهران	1. آقای فرزند به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - تهران
		2. آقای فرزند به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - تهران
		3. شمس، پرشیا به نشانی تهران
		4. آقای فرزند به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - تهران
		خواسته ها: 1. اعسار از پرداخت هزینه دادرسی 2. مطالبه وجه بابت ...
		بسمه جلت اسمائه
		دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح زیر میانگرت بصنور رای می نماید .
		((((رای دادگاه))))
		در خصوص درخواست خواهان به طرفیت خواندگان شرکت شمس - پرشیا - به خواسته اعسار از پرداخت هزینه دادرسی . نظر به اینکه خواهان جهت اثبات ادعای خویش استثنای محلی کتبی را ضمیمه درخواست کرده است که وفق قانون تنظیم گردیده و استثنای محلی مثبت ادعای وی می باشد . نظر به این که مطابق مواد 506 و 507 قانون آیین دادرسی در امور مدنی مصوب 1379 استثنای محلی می تواند جهت پذیرش دعوی اعسار کفایت نماید و استماع شهادت شهود الزامی نیست. بناعلیهذا دادگاه با احراز عسرت و تنگسستی نامبرده مستندا به مواد مزبور حکم برقبولی و معافیت موقت وی از پرداخت هزینه های دادرسی صادر و اعلام می دارد . چنانچه خواهان در دعوی اصلی محکوم نه واقع و از اعسار خارج شود ملزم به پرداخت هزینه دادرسی است. خواهان می تواند در تمام مراحل مربوط به دعوی موضوع این پرونده از معافیت استفاده نماید. رای صادره حضوری ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه تجدیدنظر استان ایلام می باشد
		دادرس شعبه دادگاه عمومی حقوقی ایلام

خواهان نیز مدعی است بارها طی لایحه و حتی حضوری در این حوزه قضایی به دادرس دادگاه حقوقی ایلام تفکیک این دعوا^۳ و نوع خواسته^۴ را متذکر شده است به مستندات وی توجه شود ولی نخواستۀ توجه کند؟

1. Jurisdiction
2. Legal Person
3. Separation of disputes
4. Type of request

شماره پیکتوری	۳۳	۳۶
زمان ثبت	۱۳۹۹/۱۱/۱۱ - ۱۵:۴۹	
اطلاعات درخواست		
نوع درخواست	گزارش	
<p>هوالحق کارشناس محترم سامانه در دفاع از حق نه آدم فروشی قبل صدور رای موضوع اعلام در وقت رسیدگی مورخ ۱۱/۱۱/۱۳۹۹ هم اذنیع شهید بود هم وکیل اذنیع مدافع خواهان به (اعلام نمود به صدور رای خواهی داد) . باسلام ، احتراماً پیرو گزارشی های شماره ۳۳-۳۹ مورخ ۲/۹/۱۳۹۹ شماره ۳۳ مورخ ۸/۹/۱۳۹۹ و ضمناً گزارشی از طریق مرکز ارتباطات قوه قضائیه با کد رهگیری ۳۴ در خصوص پرونده کلاسه ۵۱۳ ۱۵/۱۱ مراتب و درخواست شفا عرض می دارد ؟ اولاً : طی لایحه با کدرهگیری ۶۳ مورخ ۱۱/۱۱/۱۳۹۹ بند جلسه به صورت الکترونیکی ارسال کردم قبل صدور رای به وی مستقیماً فلکتر دادم ؟ ثانیاً در لایحه با شماره با کد رهگیری ۶۷۹ مورخ ۱۳۹۹۲ ۱۱/۱۱/۱۳۹۹ به مراجعت در حضور شهود گفته است در این پرونده برامتنی رای می گیرم ؟ ثالثاً : به مراجعت مکند طلب ثالث شفا قابل قبول نیست و رد می کنم ؟ (چرا باید اسلام نظر کند) در نهایت قبل اعلام رای کاتم این تاخیر وکیل مدافع خواهان بود ؟ تاخیر مدعرت پرونده دیگر نهادمان معاند معاندت و دادسرای لغات نمی گویند بند اعلام رای چون به حیرت است چنی اعلامی مطرح می کنی - اسناد - معدا منتشر خواهد شد . به قول اورا این معازاده سردال اون بی بارک و الله یا های مدد</p>		
فایل پیوست	دارد	نوع گزارش
		۱- پیش از وقوع

 <p>سامانه خدمات الکترونیک قضایی لایحه خدمات قضایی</p>	<p>بسمه تعالی</p> <p>شماره پرونده : ۵۱۴ ۹۸۰</p>												
<p>تاریخ تقدیم : ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ کدرهگیری : ۲۰۱ پیوست : ۲ برگ ۱۳۹۹۲</p>													
<table border="1"> <tr> <th>رگه کننده لایحه</th> <th>نام</th> <th>نام خانواده</th> <th>نام پدر</th> </tr> <tr> <td>موضوع لایحه</td> <td colspan="3">۱ لایحه دفاعیه</td> </tr> <tr> <td>منضمات</td> <td colspan="3">۱ سایر مدارک به شماره ۰ مورخ</td> </tr> </table>	رگه کننده لایحه	نام	نام خانواده	نام پدر	موضوع لایحه	۱ لایحه دفاعیه			منضمات	۱ سایر مدارک به شماره ۰ مورخ			
رگه کننده لایحه	نام	نام خانواده	نام پدر										
موضوع لایحه	۱ لایحه دفاعیه												
منضمات	۱ سایر مدارک به شماره ۰ مورخ												
<p>بسم الله الرحمن الرحيم دانش محترم شمه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام - جناب آقای سلام طبکم احتراماً به عنوان خواهان جلب ثالث پرو جلسه مورخ ۱۱-۱۱-۱۳۹۹ در تکمیل امراض تقدیم می گنم</p>													
<div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: fit-content; margin: 0 auto;"> <p>اولاً جناب آقای دانش محترم و گرامی لطفاً توجه فرمایید : (رونوشت پیوست است) - دادخواست بهرل از طرف موسسه و مطالبه فرادادی است (به عنوان مدیر عامل موسسه حقوقی) - دادخواست جلب ثالث در ایلام ضرر و زیان شخصی است بنده محتفل شده ام (شخص حقیقی) - لطفاً به تفکیک دادخواست های تقدیمی و نوع خواسته و تفکیک لخاص آنها توجه شود</p> </div>													
<p>ثانیاً : وفق قانون تعارضت موسسه دارای شخصیت مستقل محرا از اصالت بنده از حساب شخصی شماره ۱۱ ۱۰۲۶ (حساب شخصی ام) ۸۸ صلون لیونان به ایشان پرداخت کرده ام .</p>													
<p>ثالث در خصوص شبهه به وجود آمده مبنی بر اینکه حساب تعالی به شماره ۱۲ ۲۱ بنام دارای ۱۳ میلیارد تومان گردش مالی بوده کتب محض است - مراتب به پیوست تقدیم می گردد</p>													
<p>رلمذا در خصوص اثبات ادعای مطلوب ثالث موکمل به وکالت ایشان بدین قسبه که شمه ائرا حقوقی داشته است اشاره کرده است آقای نیز کتمل در جریان هسته و مراتب را منتقل خواهند نمود فلذا در نهایت محکومیت معلومین ثالث مورد استعداست .</p>													

بالاخره پس از فعل و انفعالات جلسه رسیدگی در حوزه قضایی ایلام شروع می شود، آقا رامتین در جلسه به پرونده تهران استناد می کند این در حالی است که تمامی مستندات ارائه شده رامتین اسدی همان استنادات آقای محمدی و مؤسسه است ولی با توجه به "نفوذ کلام ایشان" پرونده ایشان وفق ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی^۱ در حالت "(نیمه مختمومه، انتظار)" قرار می گیرد تا رسیدگی تهران تمام شود در مورد جلب ثالث عین رأی شعبه دادگاه عمومی و حقوقی تهران را قید می کند؟؟؟ (احتمال ورود ثالث مؤسسه)

....

 <p>دادگستری کل استان ایلام</p>	<p>شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام</p> <p>دادنامه</p>	<p>شماره پرونده : 514 شماره بیلگنی شعبه :</p>	<p>98099</p>
<p>پرونده کلاسه 514 خواهان: آقای خوانندگان:</p>	<p>98 شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام فرزند به نشانی استان ایلام - شهرستان ایلام</p>	<p>990997</p>	<p>تصمیم نهایی شعبه</p>
<p>1. آقای 2. آقای</p>	<p>فرزند به نشانی استان تهران - فرزند به نشانی استان قم - شهرستان قم</p>		
<p>خواسته ها:</p> <p>1. مطالبه وجه بابت ... 2. تامین خواسته 3. جلب ثالث (عیرمالي) بسمه جلت استعنه</p>			
<p>دادگاه با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و بشرح زیر میبایست بصورت رای می نماید .</p> <p>***** رای دادگاه *****</p>			
<p>در خصوص درخواست خواهان از 3- به طرفیت خوانندگان ؛ 1- 4- به خواسته : مطالبه وجه به مبلغ 11/500/000/000 ریال (اقرایش 5- خواهنده در جلسه اول دادرسی) نظر به اینکه : مطابق اظهارات خواهان و همچنین اظهارات خواننده در وقت مقرر رسیدگی 99/11/11 اذعان نموده که اطلاعی از اخذ وجه قراردادی توسط شرکت مذکور ندارد و خواننده نیز منکر اخذ هر گونه وجه موضوع قرارداد مذکور شده است و هر دو نفر بیان داشتند در دانشگاههای عمومی حقوقی تهران تحت کلاسه 980998 شعبه دادگاه عمومی حقوقی مجتمع تهران اقامه دعوی مفتضی شده است. لذا چون محکومیت خوانندگان منوط به اثبات اخذ وجه بابت اخذ وجه الوکاله و ختمت حقوقی توسط آنان است که در صلاحیت این دادگاه نیست ، این دادگاه مستند به ماده 19 قانون آیین دادرسی مدنی قرار توقف دادرسی را تا زمان تعیین تکلیف نهایی آن صادر می نماید. این قرار قطعی است. ظرف مهلت مکلف هستید ، پس از صدور رای قطعی نسخه ای از آن جهت ادامه دادرسی تقدیم این دادگاه نمائید . در خصوص دادخواست جلب ثالث خواهان به طرفیت 2- 3-</p>			

¹. Code of Civil Procedure

«فلا تُبْعَثُوا كَثُوبًا أَنْ تَفْعَلُوا»

شماره دادنامه : 06
تاریخ تنظیم : 1399/11/27
شماره پرونده : 514
شماره بایگانی شعبه : 98

شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام
دادنامه



دادگستری کل استان ایلام

، به خواسته : جلب ثالث در پرونده کلاسه 514 980998 با شماره بایگانی 98 شعبه دادگاه عمومی حقوقی ایلام، مطالبه ضرر و زیان شخصی (حقیقی) ناشی از اقدامات منتسب به مجلوبین بنوا مفوم به 5/000/000/000 ریال (افزایش خواسته) ، نظر به اینکه : قرار داد موضوع مطالبه وجه توسط خواهان به سمت رئیس هیئت مدیره موسسه عدالت منعقد شده و دعوی می بایستی توسط موسسه مذکور اقامه شود . بنا بر مراتب فوق طرح دعوی به کیفیت فعلی موجه و مسموع نیست ، دادگاه مستنداً به ماده 2 از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی قرار عدم استماع دعوی خواهان را صادر و اعلام می دارد. برای صادره حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رای قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه تجدیدنظر استان ایلام است.

دائرس شعبه دادگاه عمومی حقوقی ایلام

۸- پرونده‌های (۵۳۱ ب و ج) حوزه قضایی استان ایلام: (عدم تفاوت در شخص خواهان در قاعده جدید تفسیر به نفع خواننده، نسبی بودن ماده (۲) و بند (۱۰) ماده ۸۴ قانون آ.د.م ۱۳۷۹ ("حسب مورد")

۸-۱- مرحله شورای حل اختلاف

در خصوص تأثیرات دوره تحول در این حوزه قضایی آقای محمدی به عنوان مدیرعامل مؤسسه عدالت تصریح می‌دارد به اواخر سال ۱۳۹۶ شخصی به هویت مستعار پژمان رضویانی به دفتر نمایندگی اش در ایلام مراجعه با ارائه چک جهت طرح دعوا و پیگیری راساً به شخص محمدی وکالت مدنی جهت ارجاع به وکلا وکالت اعطاء کرده است، محمدی نیز در مقام مدیرعامل به احدی از وکلای " خانم " همکار تحت قرارداد مؤسسه پرونده ارجاع می‌دهد وکیل مربوطه در اسفندماه ۱۳۹۶ بخشی از پول را می‌گیرد خلاف قرارداد پیگیری نمی‌کند در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ نیز مجدداً حق الوکاله به وی پرداخت می‌شود مجدداً بهانه آورده و پیگیری پرونده نیست با توجه به داشتن وکالت مدنی^۱ و ارجاع از طرف مؤسسه محمدی شخصاً طرح دعوا می‌کند در شورای حل اختلاف وکیل مربوطه علیرغم دفاعیات بلاوجه محکوم می‌شود:

^۱. Civil Advocacy

99099/7 1399/05/25 98099 980/57	شماره دادنامه تاریخ تنظیم شماره پرونده شماره بازگانی شعبه	«فَلَا تُشْعِرُوا اللَّهَ فَيَ أَنْ تُغْلِبُوا» شعبه شورای حل اختلاف شهرستان ایلام	 دادگستری کل استان ایلام
دادنامه			
پرونده کلاسه 9909971 حوآهان: آقای		98099 شعبه شورای حل اختلاف شهرستان ایلام تصمیم نهایی شماره فرزند به نشانی استان تهران - شهرستان تهران	
خوانده: خانم خواسته: مطالبه وجه بابت ...		فرزند به نشانی استان ایلام	
گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق بطرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه وینت به کلاسه فوق وچری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده/مقررشورابه تصدی امضاء کننده زیر تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام وبتشریح زیر مبادرت به صدور رای می نماید .			
رای شورا			
در خصوص دادخواست خواهان: بطرفیت خوانده: بخواسته مطالبه وجه به مبلغ 200/000/000 ریال به انضمام هزینه های دادرسی و خسارت تأخیر در تأدیه آن . به حکایت اوراق پرونده خواهان مدعی است که به استناد مدارک و مستندات ضم پرونده بتشریح دادخواست تقدیمی به میزان خواسته از خوانده طلبکار می باشد که علیرغم مراجعات مکرر به نامبرده از پرداخت دین خود امتناع می نمایند. شورا با عنایت به ابلاغ واقعی اوراق اختاریه به خوانده و انتظار کافی نامبرده در جلسه رسیدگی حضور حاضر یافته و لایحه دفاعیه خود را ارائه نموده . علی هذا شورا با عنایت به مستندات موجود در پرونده خواسته خواهان را وارد و ثابت تشخیص داده و مستند به مواد 522-519-515-198 قانون آئین دادرسی مدنی حکم برمحکومیت خوانده به پرداخت مبلغ 200/000/000 ریال بابت اصل خواسته به انضمام مبلغ 3/234/700 ریال بابت هزینه دادرسی و خسارت تأخیر در تأدیه بر اساس شاخص نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باریخ 98/12/12 زمان تقدیم دادخواست لغایت زمان اجرای حکم درحق خواهان صادر واعلام می نماید. رای صادره حضوری و ظرف 20 روزپس از ابلاغ قابل اعتراض درمحاکم عمومی حقوقی شهرستان ایلام می باشد.			
قاضی شعبه		شورای حل اختلاف شهرستان ایلام	

۸-۲- مرحله بدوی حقوقی^۱ (تجدیدنظر حل اختلاف و اعاده دادرسی)

خواهان می‌افزاید وکیل مربوطه با سردرگمی کامل تجدیدنظرخواهی می‌کند پرونده به یکی دیگر از شعبات حقوقی ایلام ارجاع می‌گردد در همان ابتدا "حسب مورد تفسیر به نفع خوانده و نفوذ کلام ایشان هم" در این پرونده برای خواهان محرز و مشخص می‌گردد:

- دفاعیات محرز و مسلم از خوانده- عدم پذیرش لایحه توسط قاضی^۲ - عدم استماع دفاعیات خواهان
 پیش‌بینی نقض حکم محکومیت شورا در مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۸ در لایحه تلویحاً صورت گرفته است؟

^۱. The initial legal stage

^۲. عدم پذیرش لایحه و مستندات توسط قاضی. تخلف عدم ثبت و ضبط لایحه به موجب بند ۳ ماده ۱۶ قانون نظارت بر رفتار قضات است.

ریاست محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام
سلام علیکم

احتراماً به استحضار عالی می‌رساند؛ اینجانب به عنوان خواهان در پرونده کلاسه ۵۷ و شماره پانگلی ۱۷ و آن شعبه به طرفیت خواننده دادخواست تقدیم شورای حل اختلاف ایلام نموده‌ام و جهت تجدید نظر خواهی بدان شعبه لراجاع شده است. نظر به لایحه های تقدیمی تقدیم حضور شده است به مراتب لطفاً توجه فرمایید؛

با توجه به مراجعه حضوری (۲) باری که در مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۸ ساعت ۱۱:۳۰ و سپس ۱۳۳۰ به آن شعبه محترم داشته‌ام و لایحه بنده را آقای (معاونت محترم قضایی دادگاه دستور خم به پرونده صادر فرمودند و پس از آن در مراجعه دوم که داشتم با دفاعیات تلویحی مدیر دفتر محترم از خواننده مبنی بر اینکه باید نتیجه پرونده موکل موسسه بنده) را دادگاه دره شهر خواهند خواست، اینکه هنوز ضرر از ناحیه خواننده متوجه شما نشده است و- (رسید پرونده پیوستی) مراتبی تقدیم می‌گردد:

۱- سوال از قاضی محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام: چطور می‌شود خاتم هنوز ادعا دارند در پرونده دادگاه دره شهر هنوز وکیل پرونده از طرف موسسه بنده است و رای صادر نشده است، اینجا بر علیه بنده و آقای دادخواست متقابل ضرر و زیان مطرح می‌کند؟

۲- سوال دیگری از قاضی محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام دارم و خطاب به خواننده: سرکار خاتم چرا در شورای حل اختلاف به عنوان مرحله بدوی چنین ادعایی را مطرح نکردید؟

۳- سوال دیگری از قاضی محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام دارم و خطاب به خواننده: سرکار خاتم مگر شما نبودید ادعا کردید در مرحله بدوی که تمام پرونده منی شوتنه مربوط به در داد عالی آقای است و قس اینش اظهار بر بی ادبه و تردد در این مرحله چسب ادعایی واهی را بروج می‌دهید؟ البته دفاعیات واهی از سوی خاتم قطعاً و یقیناً جای تنجب ندارد چرا که به عنوان وکیل قرارده را براضتی نقض کردند این دفاعیات لایحه که مدیر دفتر محترم شعبه نیز مطرح کردند قطعاً از جانب ایشان بوده است نیز کاملاً محل تردد جدی است محکومیت خواننده مورد استدهاست.

<p>بسمه تعالی</p> <p>لایحه دریافتی تحت شماره توسط ثبت دفتر اندیکاتور و ضمیمه پرونده گردید.</p> <p style="text-align: center;">سامانه خدمات الکترونیک قضایی</p>	<p>رفه خدمات: مبلغ: ۱۹۸,۳۶۱ ریال</p> <p>زینه اوراق: ۰ ریال</p> <p>جمع: ۱۹۸,۳۶۱ ریال</p>
--	---

گروه خدمات الکترونیک قضایی

دفتر خدمات الکترونیک قضایی - شماره ۳۱

لایحه دریافتی: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

شماره پرونده: ۱۵۵۶۵

پیش‌پرداخت: ۱۰۰۰۰

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

مبلغ: ۱۹۸,۳۶۱ ریال

کد ملی: ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

کد پستی: ۰۰۰۰۰۰

کد منطقه: ۰۰۰۰

کد شهر: ۰۰۰۰

کد استان: ۰۰۰۰

کد کشور: ۰۰۰۰

کد منطقه: ۰۰۰۰

کد شهر: ۰۰۰۰

کد استان: ۰۰۰۰

کد کشور: ۰۰۰۰

بالاخره خواهان مدعی است علیرغم تمامی مستندات و شهودی که ارائه کرده است عزمی در حوزه قضایی جهت محکومیت ایشان مشاهده نکرده است قاعده "حسب مورد تفسیر به نفع خواننده" ساری و جاری بوده در نهایت چنین شده و نقض شده است: سؤال و ابهامی که برای خواهان وجود دارد پاسخ داده نشده این است: مرجع تجدیدنظر صرفاً باید در حوزه تجدیدنظر خواهی شده اظهار نظر کند این ایراد را به هیچ وجه تجدیدنظر خواه وارد نکرده است؟؟؟

۱. ماده ۳۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۹۷: مرجع تجدیدنظر فقط به آنچه که مورد تجدیدنظر خواهی است و در مرحله نخستین مورد حکم قرار گرفته رسیدگی می‌نماید. ایراد بند (۱۰) ماده ۸۴ را به هیچ وجه تجدید نظر خواه نگرفته است.

<p>شماره پرونده: 990997 تاریخ تنظیم: 1399/07/30 شماره پرونده: 980998 شماره بنگانی شعبه: 7</p>	<p>«بلا تلمیذا الهوی ان نغلبوا» شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام دادنامه</p>	 <p>دادگستری کل استان ایلام</p>	
990997	شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام تصمیم نهایی شماره 980998	پرونده کلاسه	980998
	فرزند به نشانی استان ایلام - شهرستان مهران	آقای :	فرزند
	فرزند به نشانی استان ایلام	آقای سیدعبید :	فرزند
		تجدیدنظر خوانسته :	مطالبه وجه بابت ...
رای دادگاه			
فرزند 2-	فرزند به طرفت 1-	تجدیدنظر خواهی	فرزند
990997 صادره از شعبه اول شورای	نسبت به دادنامه شماره	فرزند	3-
<p>حل اختلاف ایلام که به موجب آن حکم بر محکومیت تجدیدنظر خواه به پرداخت مبلغ 200/000/000 ریال بابت اصل خواسته و نیز پرداخت هزینه دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه صادر شده است. نظر به اینکه اولاً با ملاحظه مندرجات درخواست تقدیمی و لوایح تقدیمی از سوی خواهان و قرارداد ابرازی از ناحیه خواهان بدوی (تجدیدنظر خوانده) ، مضبوط در صفحات 10 و 11 پرونده ، رابطه حقوقی و قراردادی بین موسسه عدالت و تجدیدنظر خواه (خوانده بدوی) محرز است . ثانیاً موسسه عدالت حسب اوراق مضبوط در صفحات 37 و 38 پرونده ، تحت شماره 8 و 5 و با شناسه ملی 46 1400 اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری ثبت گردیده لذا موسسه مذکور مطابق ماده 584 و 588 از قانون تجارت دارای شخصیت حقوقی مستقل از اعضا و مدیران بوده و به جهت این شخصیت حقوقی ، دارای حقوق و تکالیفی است که توسط مدیران استیفا و اجرا می گردد . بنابراین با عنایت به قرارداد فوق و نیز وجود شخصیت مستقل برای موسسه ، ذینفع قرارداد و خسارت ناشی از نقض تعهدات موسسه موصوف است . ثالثاً مستقیماً از مواد 2 ، 31 ، 33 ، 34 ، 35 ، 53 ، 84 بند 5) ، 85 از قانون آیین دادرسی مدنی ، اشخاص مجاز در اقامه دعوا از طرف اصیل احصا گردیده و اشخاص مذکور عبارتند از : وکلای دادگستری ، وکیل اتفالی ، نماینده حقوقی اشخاص حقوقی مندرج در ماده 32 از قانون فوق ، و نمایندگان قانونی شامل ولی ، قیم و قائم مقام وارث ، منتقل الیه - مدیر عامل ، مدیر تصفیه و ثانیاً اشخاصی اخیر الذکر (نماینده قانونی به معنای عام) در صورت اقدام به طرح دعوا به نمایندگی از اصیل ، بایستی نام اصیل را در ستون خواهان و نام و سمت خویش را در ستون مربوطه قید نمایند ؛ زیرا ستون اول درخواست مختص اصیل و ذینفع است و چنانچه نماینده قانونی نام خویش را در ستون خواهان درج نماید ، به منزله اظهار ذینفعی خویش و طرح دعوا به عنوان اصیل است . نظر به مراتب فوق دادگاه خواهان بدوی را در طرح دعوا ذینفع دانسته و ضمن نقض دادنامه تجدیدنظر خوانسته مستند به ماده 89 داخل بر بند 10 از ماده 84 از قانون آیین دادرسی مدنی و نیز ماده 27 از قانون شوراهای حل اختلاف و نیز ماده 358 از قانون آیین دادرسی مدنی ، قرار رد دعوی خواهان بدوی را صادر و اعلام می نماید . رای صادره قطعی است .</p>			
دائرس شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام			

وکیل مربوطه مجدداً با اقدامی که از سوی خواهان صورت می پذیرد پاسخ اظهارنامه را می دهد و به صراحت اعلام می کند پرونده از طرف خودت بوده ربطی به مؤسسه ندارد این یعنی نقض و اعاده دادرسی رأی صادره از سوی این شعبه حقوقی ولی شعبه همچنان معتقد به تفسیر به نفع خواننده "حسب مورد" است:

با توجه به عدم ابراد خوانده در تجدید نظر خواهی وفق ماده (۸۲) (مخصوص بندها ۱۰) ماده ۸۲ مورد اشاره دادنامه قطعی محسوب هر چند به استناد ماده ۲۲۹ لایحه صرفاً رسیدگی باید در آن جهت باشد ولی چنین نبوده است و حتی بر فرض محال صحت ادعای تجدید نظر خواهی خوانده در این خصوص بر اساس اظهارنامه ارسالی این امر را نقض کرده است و ابراد وارد در دادنامه عملاً نقض شده است بنده به عنوان اصیل و ذینفع شخص حقیقی متبرک شده است به استناد و کتابچه محضری شماره ۲۲۱۵۳ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ نزد سردفتر اسناد رسمی شماره ۲۲ ایلام (بلاغت و نامحدود) به عنوان وکیل قانونی موکل ، خواننده بابت اعمال کاری های متعدد و عدم بهگیری عدم انجام نامین خوانسته مستند به سند رسمی به بهای های واقعی غیر رقم اخذ حق الوکاله (عمل نکرده است) عملاً بابت ضرر و زیان شده است. چنانکه خوانشان بدین لحظه متضررند با توجه به تضارعات مندرجش در اجرای ماده ۲۰۲ لایحه قرار محسوب می شود این یعنی نقض دادنامه قطعی و ناپید دادنامه شورای حل اختلاف لذا ضمن اعاده دادرسی درخواست صدور حکمیهت دارد.

<p>شماره دنامه : 990997 تاریخ تنظیم : 1399/08/27 شماره پرونده : 980998 شماره بنگالی شعبه : 7 99</p>	<p>«فلا تظنوا انهم ان تعلموا» شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام دادنامه</p>	 <p>دادگستری کل استان ایلام</p>	
<p>پرونده کلاسه 990999 شعبه 980998 دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام تصمیم نهایی شماره 990999</p>			
<p>خاتم : فرزند به نشانی استان ایلام آقای : فرزند به نشانی استان تهران خواسته: مطالبه وجه بابت ...</p>			
<p>رای دادگاه</p>			
<p>در خصوص درخواست اعاده دادرسی فرزند به طرفیت فرزند نسبت به دادنامه شماره 9909970 صادره از شعبه دادگاه حقوقی ایلام. نظر به اینکه اولاً دادنامه موصوف متضمن صدور قرار رد دعوای خواهان بدوی است. ثانياً مطابق ماده 426 از قانون آیین دادرسی مدنی، اعاده دادرسی عادی صرفاً نسبت به احکام قابل پذیرش است. نظر به مراتب فوق دادگاه مستند به ماده 426 از قانون فوق، قرار رد درخواست اعاده دادرسی را صادر و اعلام می نماید. قرار صادره قطعی است.</p>			
<p>دائرس شعبه دادگاه حقوقی شهرستان ایلام</p>			

۸-۳- مرحله بدوی شخص حقوقی

خواهان این بار از طرف مؤسسه دادخواست به یکی دیگر از شعب بدوی حقوقی ایلام تقدیم می کند همان رویه سابق " امتداد تفسیر به نفع خواننده با توجه به نفوذ کلام حسب مورد " جاری و ساری است؟

سؤال: چرا سه بار رفع نقص و دو بار جلسه رسیدگی و سپس رأی خلاف واقع صادر شده است؟

شماره پرونده: ۹۹۰۹۹		سازمان خدمات الکترونیک قضایی		پیوست: ۱ برگ
لایحه خدمات قضایی				
شماره پرونده:	نام خانوادگی:	نام پدر:		
موضوع لایحه:	۱. لایحه دفاعیه			
متن لایحه:	۱. سایر مدارک به شماره - مورخ			
(خوانندگی)				
دانش محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام با سلام و احترام				
<p>بسیار متأسفانه رفع نفی پرونده پس از دوام جنبه رسیدگی به شماره لایحه ۷۹۲ در پرونده کلاسه ۹۹۱ در پرونده کلاسه ۳۱ کلاسه با بگیتی: ۱: ۹۹</p> <p>مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ (موسسه عدالت) مراتب رفع نفی تفکیکی خدمت شما عرض می گردد:</p> <p>- مطالبه طلب مبلغ ۴۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال (معادل چهار و نیم میلیون تومان):</p> <p>•• هزینه دادرسی آن جمعا ۱۱۲۵۰۰۰۰ ریال می باشد.</p> <p>- هزینه خسارت ناشی از قرارداد همکاری - مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰ (معادل بیست و پنج میلیون تومان):</p> <p>•••• هزینه دادرسی آن جمعا ۸۷۵۰۰۰۰۰ ریال می باشد.</p> <p>•••• در نتیجه جمع کل این دو خواسته تفکیکی مجموعاً ۹۸۷۵۰۰۰۰ ریال (معادل نصد و هشتاد و هفت هزار پانصد تومان) می شود</p> <p>دادخواست تقدیمی به ۳۰۰ میلیون ریال (معادل سی میلیون تومان) مقوم شده است هزینه ای دادرسی پرداختی برای آن ۱۰۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال (معادل یک میلیارد و پانجاه هزار تومان) بوده است ، دقیقاً مبلغ ۶۲۵۰۰۰۰ ریال بیشتر هزینه دادرسی پرداخت شده است .</p> <p style="text-align: right;">نماینده قانونی موسسه عدالت</p>				

بالاخره حسب مدارک و مستندات خواهان مجدداً عزمی جهت محکومیت خواننده در این شعبه هم دیده نشده است و این امر در لوائح خواهان که تذکر داده است کاملاً مشهود است:

مضمون	۱. فتوایی سایر مدارک به شماره ۰ مورخ
<p>ریاست محترم شعبه دادگاه عمومی و حقوقی ایلام سلام علیکم، احتراماً پرونده لایحه با کد رهگیری ۵۴- ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ و بلاخره لایحه تکمیلی بعد مراجعه حضوری خدمت شما ارائه توضیحات با کد رهگیری ۲۵۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۶ که مجدداً مراتب قبلاً حضوری خدمت شای عرض گردید توضیحات تکمیلی را خدمت شما عرض است؛ الف) در ارائه توضیحاتی فعلی که حضوراً خدمت شما عرض شد در اجرای ماده ۲۷۱ ق آدام (واکه، مانده، مانده) تکمیلی مراتب مطروحه کاملاً صادقانه مطرح شده است و خدایی ناخواسته هیچ گونه اباحتی در حق خواننده بر خلاف عدالت و وجدان نشده است، عین اتصالات اتصالی و توقیقات بوده است. ۱- مطالبه طلب بابت پول پرداختی موکل فعلی بوده است که از موسسه آن مطالبه می نماید ۲- ضرر و زیان ناشی از قرار داد نیز بابت این است که توفیق شده تکمیلی در کرد و خسارت قانونی که بابت چک از محکوم علیه محکوم به اخذ در آن قالب گردد به موسسه تعلق گیرد و موکل فقط اصل پول را برداشت کند متأسفانه چنین نشد ب) در اجرای ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی نظر به لغو خواننده و بدتریش تمام مسئولیت را اینکه به قریباً نیز تا جلسه اول دادرسی ایرادی وارد نگردد است محکومیت نامبرنده مورد استعداست. ۳- در صورت صلاحدید احضار شهود بنده به و دیگر شهود مورد استعداست ۴- به اعتراضات دقت فرمایید خواننده به صراحت به وی گفته است ۲ میلیون تومان به بنده داده است کم است و بیگیری نمی کند (افسوس با شصت حتی پرونده نبرعا باشد باید جنس بر خورد کند).</p>	
<p>نیز باین امید است در راستای احقاق حق بر اساس مستندات و دلایل و تقریر خواننده و تحلیلات مستندسازی شده ایشان محکومیت مورد استعداست چنین غلطی وجود داشته باشد فقط تنها خواست موسسه این است که بر اساس توقیقات و مدارک و مستندات و دلایل رای صادر شود و به اعتراضات معزز خواننده نیز توجه شوند اشانه عظیم بر روی محکومیت ایشان در حوزه قضایی بر اساس دلایل و مستندات وجود داشته باشد.</p>	
نماینده قانونی	عدالت

مراتب از سوی خواهان قبل صدور رأی ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ به مراجع نظارتی منعکس شده است:

پاک‌نوا ظهوران نغز

شماره: ۹۹
تاریخ نشر: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵
شماره پستی: ۳۱
شماره پستی شعبه: ۹۹

شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام
دائمه



دائمه

دائمه

تیمار: (۳) قرارداد همکاری شده است ایشان هرگونه اعتراضی را از خود سلب و ساقط کرده است و تمامی مسئولیت را پذیرفته است و تمامی ضرر و زیان را تقبل کرده است که پرداخت نمایند. تاریخ شعبه اول دادگاه عمومی و حقوقی ایلام به هیئت آقای حامد طاهر نیا به صراحت بدون هیچ وجه حقوقی اشاره کرده است. (به صراحت آورده است) اینکه فراداد و خسارت ناشی از نقص تمهیدات، موسسه موسوف است. در حکم ست رسمی است و با توجه به دستور ۳۳۳ قانون آیین دادرسی وفق توافق کتبی (قرارداد همکاری) نیز صلاح حق تجدید نظر خواهی به هیچ وجه من اوجه ندارد چونکه در قالب ست رسمی تمام مسئولیت را پذیرفته است. با خواننده طی قرارداد شماره ۹۵/۵۱۸/۲۲ مورخ ۱۳۹۶/۶/۶ حجت همکاری توافق گردیده است ۴۷ درصد حق الوکاله مربوط به موسسه و ۴۸ درصد به وکیل تعلق داشته باشد. پرونده آقای با اسناد به وکالت نامه منشی با موضوع چک ناملازم با شماره سریالی ۹۰ ۸۰ و ۳۹۱ ۸۰ بانک شعبه مرکزی دره شهر در اسفند ماه ۱۳۹۶ به خواننده ارجاع گردید که مبلغ ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال بابت حق الوکاله پرداخت شده است و طی رای و حکم توافق بعمل آمده، در ابتدای سال ۱۳۹۷، مجدداً اعلام گردید که حق الوکاله مقادیر نیست که موکل مبلغ ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال دیگر به حساب خواننده واریز که جمع مبلغ به ۴۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال رسید و مبلغ مستقر اکنون توسط موکل از موسسه مطالبه می گردد خواننده به بینه های واهی هیچ وقت پرونده مستقر را پیگیری نکرد و همین باعث ضرر و زیان مندی و معزای نسبت به موسسه شده است و چون با موکل توافق شده بود که تمام ضرر و زیان های ناشی از تأخیر تأخیر چک های موضوع دعوا به موسسه تعلق گیرد که به علت عدم پیگیری خواننده عملاً این امر محقق نگردید و منافع ممکن الحصول موسسه زایل و ناشناختن و زیان موسسه گردید بنا بر مراتب مستقر محکومیت خواننده به پرداخت ضرر و زیان ناشی از عدم ایفای تعهد و همچنین ضرر و زیان منافع ممکن الحصولی که در نتیجه تصور غرضانه ایشان متوجه موسسه شده است مورد تقاضاست. خلاصه دفاعیات خواننده و وکیل ایشان به شرح ذیل است: ۱- با توجه به وکالت نامه فی مابین آقای و حکم (خواننده) سعی از شرکت و اشخاص حقوقی نمونه است. در حالی که در دادخواست تقاضای خواننده، موسسه می باشد. ۲- مورد وکالت انجام گرفته و رای قطعی نیز صادر و اوراق مثبت ادعا نیز ارائه می گردد و حکم به پرداخت خسارت تأخیر تأخیر چک نیز صادر شده است. ۳- آقای عیب مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ تومان به لای پرونده و ایشان نیز مبلغ دو میلیون تومان بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به حساب خواننده پرداخت نموده که یک میلیون صرف هزینه دادرسی و یک میلیون تومان بابت حق الوکاله پرداخت شده است. دادگاه با عنایت به اینکه: ۱- رابطه قراردادی خواهان و خواننده به موجب قرارداد مورخ ۱۳۹۶/۶/۶ مورخ و ست است و در تبصره سوم ماده ۴ قرارداد موسوف نیز توافق نموده اند در هر زمان از ارجاع پرونده تا انقضای آن هیچ فعل، ترک فعل یا حادثی که مخالف مفاد روح قرارداد و توافق موضوع و روح وکالت باشد صورت نگیرد و در صورت بروز چنین حالاتی ضمن سلب حق اعتراض مسئولیت کامل را بپذیرد. لذا قرارداد مورخ فی مابین موسسه عدالت جامع و خواننده مستقلاً به مواد ۱۰ و ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون مدنی، لازم الاتباع و مرفهین مزم به رعایت معاد ان و پیرویش نتایج حاصل از آن هستند و دفاعیات خواننده در این قسمت منشی بر اینکه با موسسه قرارداد داشته وارد نیست چرا در پرونده های ابتدای خواهان خواننده به ارجاع پرونده از سوی موسسه اقرار نموده است اما در صورتی می توان خواننده مکلف به جبران خسارت می باشد که عدم اجرای تعهد و خسارت ناشی از آن محرز گردد. ۲- خواهان بابت خسارت ناشی از قرارداد همکاری مبلغ ۳۰ میلیون تومان را مطالبه و بیان داشته است که خواهان از انجام تعهد قراردادی خود به پیگیری پرونده ارجاعی امتناع و در این راستا خسارتی را به موسسه وارد نموده است. با عنایت به اینکه اولاً: التزام به

پاک‌نوا ظهوران نغز

شماره: ۹۹
تاریخ نشر: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵
شماره پستی: ۳۱
شماره پستی شعبه: ۹۹

شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام
دائمه



دائمه

دائمه

جوان خسارت طرف قرارداد، بابت تعهد امسلی قلداد نمی گرد بلکه یک ضمانت عارضی است که در اثر تقصیر متعهد و کوتاهی او در وفای به عهد ظهور پیدا می کند و مبتنی این تقصیر مسئولیت نقض قرارداد از طرف متعهد است و متعهد له نیز صورتی حق مطالبه خسارت را پیدا می کند که متعهد در عدم اجرای عقد مقصود باشد و خودداری متعهد نیز محرز گردد و البته این متعهد است که باید وفای به عهد را ثابت کند. ثانیاً: متعهد له باید ایجاد ضرر و ورود خسارت را اثبات نماید. لذا مستقلاً به ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی منشی، باید ثابت گردد که ضرر وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد بوده است. پس از تشریح و توضیح ارکان مذکور باید بررسی نمود که آیا شرایط مورفوم حجت مطالبه خسارت در منحن فیه محرز می باشد یاخیر؟ آنچه از اوراق و محتویات پرونده و دفاعیات طرفین استنباط می گردد آن است که خواننده به عنوان وکیل نور پرونده ۵ ۹۷ مطروح در شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان دره شهر وکالت آقای بابت چکهای شماره 021360 و 021391 به مبلغ 280,000,000 ریال را بر عهده داشته و حسب دادنامه شماره 481 مورخ 990997 مورخ 1399/9/17 مندر به صدور حکم به نفع موکل گردیده و در تاریخ 1399/12/14 نیز کفایت یافته است. بنابراین علاوه بر اینکه باید متفکر گردید که تعهد وکیل تعهد به نتیجه نیست و صرفاً باید اتمام و کوشش لازم در راستای رسیدن به نتیجه را انجام دهد که با توجه به حصول نتیجه و دستور حکم، له موکل کوشش او در راه حصول نتیجه و وفای به عهد محرز و بنابراین شروط مسطور کوتاهی در عدم اجرای تعهد محقق نگردیده و به تبع آن تقصیر در ایراد خسارت و رکن ضرری نیز منتفی است. بر دادنامه صادره محکوم علیه محکوم به پرداخت اصل خواسته خسارت در تأخیر تأخیر از تاریخ سررسید چک نیز گردیده است بنظر این موضوع ادعای خواهان نیز حاصل گردیده است و رکن ضرری نیز در اینجا منتفی می باشد. ۱- ادعای خواهان منشی بر اینکه موکل مدیاع حق الوکاله را از موسسه مطالبه می نماید نمی تواند مبتنی بر اد خسارت و محکومیت خواننده باشد چرا که همانطور که توضیح داده شد نتیجه حاصل و وکیل نیز به تعهد قراردادی خود عمل نموده است و مطالبه حق الوکاله از موسسه مذکور بی بنیاد است. ادعای خواننده نیست. لذا دادگاه به استناد به مراتب و مستندات مورفوم دعوی خواهان را وارد و ثابت ندانسته و مستقلاً به مواد ۲۵۷ او ۲۵۸ او ۲۲۶ او ۲۲۷ او ۲۲۸ او قانون آیین دادرسی منشی و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی منشی و تقاضای در امور منشی مصوب ۱۳۷۹، حکم بر می ختی خواهان را صادر و اعلام می نماید. رای دادگاه حضوری، و طرف مدعی است روز از تاریخ ابلاغ آفل تجدید نظر خواهی در دادگاه تجدید نظر استان ایلام می باشد.

رئیس شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ایلام

دلائل و مستندات	۱- اظهارنامه عزل وکیل ۳۷ روز قبل از صدور دادنامه به شماره ۰ مورخ ۲- مدرک نمایندگی به شماره ۰ مورخ ۰ ۳- اساسنامه به شماره ۰ مورخ
<p>بسم الله الرحمن الرحيم</p> <p>در حوزه قضایی شهرستان ایلام وفق مستندات و تعارضات عرضی جهت محکومیت خواننده وجود نداشت (</p> <p>ریاست دادگاههای تجدید نظر استان ایلام</p> <p>سلام عزیزم! در تجدید نظر خواهی به دانشنامه شماره ۲۴۸ مورخ ۱۳۹۹-۱۲-۲۵ در پرونده کلاسه ۳۱ ۹۹۰ مورخ ۱۳۹۹-۱۲-۲۵ در پرونده کلاسه ۳۱ ۹۹۰ با کلاسه بایشی ۱ ۹۹۰ مورانی ساده عرض می شود</p> <p>۱- وفق لوابیح ارسالی مورخین ۱۳۹۹-۱۱-۲۶ به شماره رهگیری ۱۳۵۰ مورخ ۱۳۹۹-۱۲-۹ و ۱۳۹۹-۱۲-۲۸ با شماره ۲۸ مورخ ۱۳۹۹ نتیجه موصوف کاندلا قابل پیش بینی بود، بارها خواسته شد با توجه به تعارض محرز و مسلم و مستندات رسیدگی شود که نشد نظر به قاعده "تفسیر به نفع خواننده" به ناسی از قاعده دراه در حقوق کبفری متناقضه حکم بر به حقی صادر شد (لایحه اعلام)</p> <p>۲- خواننده به عنوان وکیل پایه یک دادگستری مدت ۲۰۵ سال پرونده را پیگیری نکرده است به شرح ذیل اقدام شده چطور تفسیرش برای احراز نشده است! (۳۷ روز قبل از صدور این دادنامه عزل شده است چطور بدون سمت رای گرفته است !!!)</p> <p>۳۳ طی اظهار نامه ۹۸ مورخ ۱۳۹۹ مورخ ۱۳۹۹-۸-۱۱ خانم عزل شده است چطور "بدون سمت" در پرونده ۵ ۹۷ دانشنامه مورخ ۱۳۹۹-۹-۱۷ در شهر (۳۶) روز بعد نتیجه تلاش اوست !!!</p> <p>(مراتب در پرونده استنادی عزل وکیل بوده چرا دادرسی شعبه ششم توجیهی نکرده است !!!)</p> <p>۳۳۳ وفق استدلال که به پرونده شعبه حقوقی استناد شده در ماده دادرسی آن به صراحت در ۱۳۹۹-۸-۱۸ تصریح شده "عزل شده اند" دادگاه چرا نخواستن توجه داشته باشد (تصویر پیوست است) !!!</p> <p>(خواننده از برقرار اطلاع کامل داشته بدون سمت صرفاً جهت فرار از محکومیت پیگیری کرده !!!)</p> <p>۳۳۳۳ جلب تم طی اظهار نامه شماره ۶۱ مورخ ۱۳۹۹ مورخ ۱۳۹۹-۸-۱۴ به اظهار نامه پاسخ داده می دانسته که عزل شده و سمت ندارد، اگر گتمان نکند؟ (تصویر پیوست است) !!!</p>	

۹- رویکردهای تطبیقی و تعارضات رسیدگی (۲) حوزه قضایی

- با دقت در جریان و مستندات پرونده های کلاسه فرضی (۲۸۷ الف) حوزه قضایی تهران و (۵۱۴ الف) حوزه قضایی ایلام به صراحت چرخش ها و هر گونه تفسیر به اسم علم قاضی را می بینیم این در حالی است که از همان ابتدا اعلام می کردند از سوی مؤسسه است، پذیرش اعسار و بالتبع رسیدگی بعدی وجود نداشت؟
- با دقت در روند هر سه پرونده تشریح شده می بینیم که دلائل و مستندات آن چنان در تعیین تکلیف پرونده ها نقش ندارند^۱ به صراحت نتایج پرونده ها از همان ابتدا با توجه به روند مشخص است؟
- به عنوان مثال در پرونده کلاسه (۵۱۴ الف) حوزه قضایی ایلام به صراحت تفکیک خواسته ها تشریح شده است ولی بنا به دلائل فراقانونی^۲ که خارج از مقاله تحقیقاتی است عیناً قضیه رد می شود؟
- عملاً در رویه های موجود می بینیم که نقش نفوذ کلامی خوانندگان در پرونده ها بر اساس قاعده جدید "تفسیر به نفع خواننده" حتی از تفسیر به نفع متهم در حقوق کیفری پیشی گرفته است؟

^۱ نگاهی کنید به سخنان رهبر معظم انقلاب: اما بنای قاضی در انشاء حکم و رعایت قانون و استدلال در حکم که ذهن او را به این حکم رسانده است باید به قدری متین باشد که هر کس حکم را دید، در دل تصدیق کند که درست است؛ هر چه عقل و سواد انسان بیشتر باشد، بیشتر تصدیق کند. بیانات در دیدار

رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۸۰/۴/۷ جهت دسترسی به مطلب رجوع شود به: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45934>

^۲ به نقل از رهبر انقلاب: گسترش عدل و احیاء حقوق عامه و آزادیهای مشروع و نظارت بر اعمال قانون را که در شمار هدفهای قوه قضائیه در قانون اساسی است در رأس برنامه ها قرار دهید. این موجب اعتماد مردم و دلگرمی آنان به قوه قضائیه در حوادث و منازعات خواهد شد. در انتصاب حجت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی به ریاست قوه قضائیه ۱۳۹۷/۱۲/۱۶ قابل دسترسی در سایت: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45934>

- با دقت در رویه پرونده‌ها می‌بینیم که عملاً اشکالات شکلی که در مادتين (۲) و بند (۱۰) ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی در امور مدنی گرفته شده است صرفاً در راستای "تفسیر به نفع خوانده" و رسیدن به اهداف والای فوق عدالت ظاهری است چرا که در رسیدگی‌ها عدالت عارضی بوده منبع غیر داشته است؟
- به صراحت می‌بینیم با تفکیک‌های غلطی که در رویه به وجود آورده‌اند قانون عملاً نقشی که باید داشته باشد ندارد و همانند شعبه تجدیدنظر تهران به راحتی رسماً عدول می‌شود؟
- با دقت در رویه‌های موجود پرونده‌ها می‌بینیم عملاً نظارت^۱ به اسم استقلال و علم قاضی تعطیل است؟
- بالاخره دلایل و مستندات بسیاری خارج موضوع مقاله تحقیقاتی و علمی پژوهشی در این سطح است؟

۱۰- نتیجه‌گیری

هدف اصلی از قضاوت اسلامی، گسترش عدل، احقاق حق و رفع تجاوز است و به تعبیر روایات احیاء و تزکیه ارض است. قضاوت بالاصالة و ذاتاً حق خداوند است. به همین خاطر منصب قضاء که از اعظم مناصب، با توجه به روایات در این باب باید به اهلهش واگذار شود. در منابع اسلامی در خصوص قاضی آمده است:

- در صورت اشتباه، بر اشتباه خود اصرار نوزد و جانب حق را بگیرد؛

- در موارد شبهه تا کشف حقیقت درنگ و تأمل نماید؛

- در صدور احکام متکی به دلایل قطعی باشد؛ ... اما متأسفانه برخی از اقداماتی که در رویه می‌بینیم، مطابق هیچ‌یک از استانداردهای عرفی، قانونی، منطقی و در برخی مواقع واقعاً عقلایی نیست، امید است چنین آسیب‌شناسی‌هایی گسترش بیابد و به روند تحولی قوه قضاییه کمک شایان توجهی نماید.

۱۱- منابع و مآخذ

۱. اکرمی، زهرا (۱۳۹۵)؛ ماهیت وفای به عهد در فقه و حقوق؛ فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره چهارم و نهم، شماره اول، بهار و تابستان.
۲. پاینده، آرزو و تیژده، حمزه، ۱۳۹۶، ماهیت حقوقی علم قاضی در ادله اثبات دعوی، مجموعه مقالات چاپ شده در همایش بین‌المللی حقوق و فقه اسلامی، تهران،، <https://civilica.com/doc/۷۵۰۲۹۸>
۳. پور استاد مجید و دیگران (۱۳۹۰)؛ مالکیت خواهان بر دعوی مدنی؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی آزاد، دوره چهارم، شماره چهاردهم، شماره پیاپی چهاردهم، زمستان
۴. حر عاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۱ ه ق)، وسایل الشیعه، مکتب الاسلامیه.
۵. شریفی، هادی و دیگران (۱۳۹۲)؛ رابطه علم دادرسی با دلایل قانونی اثبات دعوی مدنی؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و نظام بین‌الملل؛ دوره و شماره: دوره ششم، شماره نوزدهم، تابستان
۶. شیخ کلینی (۱۳۶۵)؛ کافی؛ دارالکتب الاسلامیه، جلد هفتم، تهران.
۷. صفوی، سیدنوید و دهقان، ناصر و سلیمان، ابوالفضل، ۱۳۹۴، بررسی کاربرد اصل لزوم در حقوق موضوعه ایران، نخستین کنگره بین‌المللی جامع حقوق،،، <https://civilica.com/doc/۵۰۲۹۳۶>
۸. محبی مقدم، فاطمه، ۱۳۹۹، ضرورت و آثار وفای به عهد در جامعه از دیدگاه اسلام، پنجمین کنفرانس ملی نقش مدیریت در چشم انداز ۱۴۰۴، رشت،،، <https://civilica.com/doc/۱۱۵۲۴۴۸>

۱. نگاه کنید به سخنان رهبر انقلاب: اگر یک قاضی کاری که از معیارها خارج است، انجام داد، در هر شرایطی که هست، باید به مجازات برسد. به نظر من، اگر این کار نشود، دستگاه قضایی درست نخواهد شد. دادستان و یا حاکم شرعی که به خاطر تخلف، آن‌جا کتک را می‌خورد، بعد که پشت آن مسند قضا نشست، خواهد گفت ببینید، مسأله قوه قضاییه این است؛ من حتی فاسد شدم، با من این کار را کردند. بنابراین، خودش دیگر اشتباه نخواهد کرد. این، انتقام و نعمت الهی است. او دیگر جرأت نمی‌کند علی‌الظاهر تخلف نماید؛ مگر آدمهای واقعا مریض که تخلف میکنند. با اعمال این قاطعیت، دیگران هم خواهند گفت که ببینید، قوه‌ی قضاییه این است و چنین متخلفانی را خودش مجازات میکند. mshrggh.ir/836624

۹. محمد رضی، ابوالحسن (۱۳۶۵): ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ ترجمه: فیض الاسلام اصفهانی، علینقی، چاپخانه سپهر، تهران (نسخه الکترونیکی)
۱۰. محمدی گیلانی، محمد (۱۳۸۷)؛ قضا و قضاوت در اسلام؛ چاپ اول، انتشارات نشر سایه، تهران.
۱۱. مقتدایی، مرتضی (۱۳۷۶)؛ قضاوت در اسلام؛ چاپ اول، بی نا، تهران (نسخه الکترونیک)
۱۲. موسوی بجنوردی، سیدمحمد و دیگران (۱۳۹۰)؛ شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیر المؤمنین علی (ع) با رویکردی برآرای امام خمینی (س)؛ پژوهشنامه متین امام خمینی و انقلاب اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، شماره پیاپی ۵۴، بهار
۱۳. مهدی امین، مهدی (۱۳۸۷)؛ اصل لزوم قراردادها در فقه و قانون مدنی ایران؛ فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره چهل و چهارم و چهل و پنجم